

ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۲ ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۰

دوماهنامه
ایینه پژوهش

سال سی و چهارم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۲

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.34, No.2 Apr - May 2023

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

200

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

روایت یک تجربه شیرین | از اینجا و آنجا به مناسبت دویستمین شماره |
تحلیلی بر پژوهش حوزوی معاصر | آینه داری | «خرق عادت» در «آینه»؛ به
شادمانگی انتشار دویستمین شماره مجله آینه پژوهش | «ای کاش
دستش بریده بود و کتاب را خراب نمی‌کرد» | چاپ نوشت (۷) | «بگاہ
خوردن» یا «بگاہ خوردن»؟ | سخن از عشق در مجلس یحیای برمکی |
یادداشت‌های شاهنامه (۵) | نسخه خوانی (۳۴) | نوشتگان (۱) |
تصحیح انتقادی یا تزیین انتفاعی؟ | رباعیات اسیر شهرستانی در دیوان
خاقانی | روان‌شناسی اخلاق و چالش‌های تازه | نکته، حاشیه، یادداشت

آسان آسان از ربیض مسلمانی کی توان بیرون آوردن
پایوست آینه پژوهش | فارسیات استفتاءات موجود در کتاب الحوادث و النوازل و الوقعات
از احمد بن موسی کشی (متوفای ۵۵هـ)

محمدرضا مهملوی زان احمد
و اشرفی | رسول حقیر | آسان آسان
خود آینه پژوهش | سید محمدحسن
حکیم | محمد عمادی | آینه
موسوی | محمد علی | آینه
عظایی | سید علی | آینه
سید محمدحسن | آینه پژوهش

پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir



چاپ نوشت (۷)

مجید جلیسه

| ۱۸۶-۱۴۹ |

تک برگ‌های چاپی در اینکونابولای ایرانی

Notes on Book Publishing (7)
Printed Single Sheets in Iranian Incunabula
Majid Jaliseh

Abstract: One of the printed sources that has not been paid attention to in spite of its profound social, political, economic, cultural, ... effects throughout history is the printed single sheets. In this article, while introducing this type of printed source, the author deals with the reasons for the lack of attention to them and the negative consequences of this ignorance. Also, the classification of this kind of printing and its distinction from the point of view of printing techniques are explained. It also introduces the first printed single sheets identified in Iran's Incunabula.

Keywords: Printed Single Sheet, Documents, Announcements, Lead Printing, Lithography, History of Printing, Tabriz, Qajar, Indexing, Incunabula.

چکیده: یکی از منابع چاپی که در طول تاریخ با وجود تأثیرات عمیق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. تک برگ‌های چاپی است. مؤلف در این مقاله ضمن معرفی این نوع از منابع چاپی به چرایی این بی‌مهری‌ها و نتایج و عواقب بد آن و همچنین دسته‌بندی و تفکیک آن از منظر تکنیک چاپ پرداخته و نخستین تک برگ‌های چاپی شناسایی شده در گاهواره چاپ (اینکونابولای) ایران را معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تک برگ چاپی، اسناد، اعلانها، چاپ سری، چاپ سنگی، تاریخ چاپ، تبریز، قاجار، فهرست‌نگاری، گاهواره چاپ، اینکونابولا.

مقدمه

چاپ به معنی رسانه و ابزاری برای آگاهی بخشی آنهم با سرعتی بالا و جغرافیایی وسیع، صنعتی قابل تأمل است که مقدمه بسیاری از تحولات و اتفاقات مختلفی همچون افزایش سواد عمومی، توسعه بهداشت، ایجاد نظم و امنیت، توسعه اقتصادی و فرهنگی و... بوده است.

پرداختن به تک‌برگ‌های چاپی به عنوان یکی از نمونه‌های آثار چاپی در بیش از دو قرن که از آغاز این صنعت در ایران می‌گذرد، بسیار کم‌رنگ و ناچیز و بیشتر در قالب پژوهش‌هایی بوده که ناظر به موضوع آنهاست. مثلاً اعلان‌ها، اعم از اعلان‌های فرهنگی، تجاری، سیاسی و... که از جمله موضوعات پربسامد در این حیطه است. این در حالی است که این موضوع به جهت گستردگی موضوعات زیرمجموعه آن نیازمند به‌نگاهی بالاتر از منظرهای تکنیکی، رسانه‌ای و تبلیغی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... آنهم در دسته‌بندی‌های مختلف و یا موازی است.

با وجود اینکه نمونه‌های احصاء شده تک‌برگ‌های چاپی در دوران آغازین صنعت چاپ ایران بسیار اندک و ناچیز است، اما شکی نیست که از اولین روزهای آغاز به کار صنعت چاپ در ایران تک‌برگ‌های چاپی به عنوان یکی از آثار چاپی مورد استفاده قرار گرفته و نقش بسیار پررنگی در حوزه‌های مختلف داشته است. اما مع الاسف به دلایل عدیده هیچ‌گاه آنگونه که باید نه حفظ و آرشیو شده‌اند و نه کار پژوهشی جدی پیرامون آنها صورت گرفته است.

هرچه به سمت نقطه آغازین صنعت چاپ باز می‌گردیم، آگاهی‌های ما از این نوع منابع چاپی کمتر و کمتری می‌گردد. بیشترین اطلاعات در دسترس در خصوص تک‌برگ‌های چاپی متعلق به دوره مشروطه و بعد از آن است.

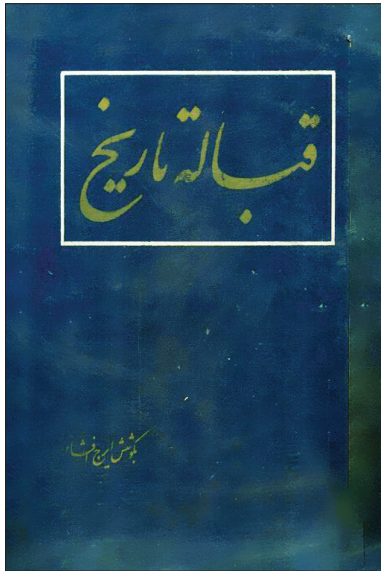
اولین و از معدود مقاله‌های مستقل در این موضوع توسط دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تاریخ‌پژوه و استاد دانشگاه به نگارش درآمده است. او مجموعه‌ای از این نوع اسناد را که عمدتاً در دوره مشروطه چاپ و انتشار یافته را جمع‌آوری نموده و به درخواست جهانگیر قائم مقامی بخشی از این اسناد را در اختیار مجله بررسی‌های تاریخی قرار می‌دهد، که با چند سند دیگر از مجموعه حسنعلی معاون الدوله غفاری طی مقاله‌ای با این مشخصات چاپ می‌گردد:

■ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار

محمد اسماعیل رضوانی

بررسی‌های تاریخی، سال پنجم، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۴۹، صص. ۲۵۳-۲۹۲.

قدیمی‌ترین اعلانی که در این مقاله به آن اشاره می‌شود مربوط اول ذی‌قعدة سال ۱۳۱۳ق. و متن فرمانیست که ناصرالدین شاه به مناسبت پنجاهمین سال سلطنت خود در مورد معافیت مالیات‌هایی که در آن روزگار از نان و گوشت می‌گرفتند صادر نموده بود.

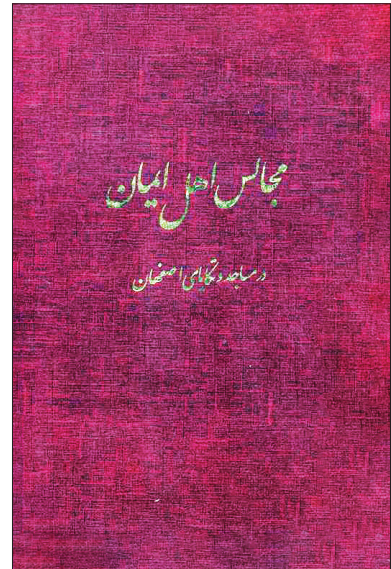


تصویر ۱. قباله تاریخ،
گردآوری ایرج افشار،
تهران: انتشارات طلایه،
رحلی کوچک، ۱۳۶۸.

سیدحسن تقی‌زاده پیش از رضوانی و از اولین افرادی بود که با نگاه آرشیوی به جمع‌آوری این قبیل از اسناد پرداخت. او مجموعه‌ای ارزشمندی از این قبیل تک‌برگ‌ها را که عمدتاً مربوط به دوره مشروطه بودند را جمع‌آوری کرده بود و بخشی از تک‌برگ‌های چاپی خود را در اختیار مرحوم استاد ایرج افشار نهاد تا در کتابی با نام قباله تاریخ چاپ و انتشار دهد. همچنین مجموعه‌ای ارزشمند از شب‌نامه‌ها و اعلان‌هایی که با تکنیک چاپ ژلاتین^۱ و در تیراژ محدود در دوره مشروطه منتشر گردیده را نیز در آرشیو خود محفوظ داشت که به کتابخانه مجلس اهدا نمود.^۲

«قباله تاریخ» مجموعه‌ای از تک‌برگ‌های چاپی است که استاد ایرج افشار طی سی سال گذشته آورده و به صورت عکسی چاپ و منتشر می‌کند. افشار این اسناد را از مجموعه‌های مختلفی چون سیدحسن تقی‌زاده، صادق مستشارالدوله، رکن‌الممالک سنجر، کریم آقاجانی، اصغر مهدوی، ناصر دفترروائی، مهدی نوائی، سیدمحمد جزائری، علی مشار، علی طباطبائی، پرویز حکیمی، تقی رضوی، احمد شاهد و پدر خود محمود افشار گردآوری و در این کتاب باز نشر نموده است. قدیمی‌ترین اعلانی که در قباله تاریخ معرفی می‌شود دو تصویر چاپی از جنگ هرات و مواضع و سنگرهای قشون ایران است که تاریخ آن ۱۲۷۳ق. است. و عمده اعلان‌ها و تک‌برگ‌های چاپی در این مجموعه متعلق به دوران مشروطه و بعد از آن است. افشار از مجموعه ارزشمند دیگری از این اوراق تک‌برگ چاپی نیز یاد می‌کند:

۱. جهت آشنایی با این تکنیک چاپ رک: چاپ ژلاتینی و نقش آن در مبارزات سیاسی و مذهبی عصر قاجار. مجید غلامی جلیسه، پیام بهارستان (دوره دوم)، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۰، صص. ۵۸۷-۶۰۲.
۲. نشریات ادواری و شب‌نامه‌ها (مقدمه‌ای بر نشریات ادواری و شب‌نامه‌های کتابخانه مجلس): ۸.



تصویر ۲. مجالس اهل ایمان در مساجد و تکایای اصفهان. اصفهان: کانون پژوهش هنر، رحلی، ۸۳۵ ص، ۱۳۸۶.

«موقعی که مجموعه روزنامه‌های قدیمی گردآوری مرحوم محمد رضانی به لطف و توجه آقای بارفتنی (مدیر کتابفروشی شمس) برای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران خریداری شد، بعضی از اعلامیه‌ها و فوق‌العاده‌ها لابلای آنها پیدا شد که به کوشش آقای حسن سلطانی (مسئول گرامی آن اوقات در بخش نشریات ادواری فارسی آن کتابخانه) در لفافه‌های جداگانه نگاهبانی می‌شد»^۳

از دیگر کتاب‌هایی که در این موضوع می‌توان بدان اشاره نمود کتابی با عنوان مجالس اهل ایمان در مساجد و تکایای اصفهان است. این کتاب مشتمل بر مجموعه‌ای از اعلان‌های وفات افراد مختلف و عمدتاً صاحب نام است که مرحوم آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی (ره) طی سال‌های مختلف زندگی پربرکت خود به مرور جمع‌آوری و بعضاً در حواشی برخی نیز مطالبی نوشته‌اند. قدیمی‌ترین این اوراق مربوط به برگزاری مجلس عزای آیت‌الله آسید ابوالحسن اصفهانی در مدرسه چهارباغ اصفهان به تاریخ ۱۷ آبان سال ۱۳۲۵ است و آخرین آن نیز مربوط به چهلمین روز درگذشت مرحومه علویه صالحه موسوی الغروی همسر مرحوم خود ایشان است که در تاریخ چهارشنبه ۲۰ تیر سال ۱۳۷۵ در امامزاده ابوالعباس خوراسگان اصفهان برگزار شده است.

کتاب «۱۰۰ اعلان و اعلامیه: گزیده اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار از مجموعه شخصی ناصرالدین حسن‌زاده» از دیگر کتاب‌های منتشره در این موضوع است. آقای ناصرالدین حسن‌زاده از مجموعه داران اسناد کشور است که عمری به جمع‌آوری، خرید و فروش اسناد مشغول بوده و هست و در این میان گزیده‌ای از این قبیل اوراق تک‌برگ را که مجموعه‌ای از اعلان‌های چاپی در

۳. قبالة تاریخ: مقدمه



تصویر ۱۰۰.۳ اعلان و
اعلامیه: گزیده اعلان‌ها و
اعلامیه‌های دوره قاجار،
گردآورنده: ناصرالدین
حسن‌زاده. تهران: ایده
خلاقیت، رحلی کوچک،
۱۳۹۲، ص ۱۸۰.

دوره قاجار و پهلوی در میانه سالهای ۱۲۹۰ هجری شمسی تا ۱۳۳۰ هجری شمسی هستند رادر قالب کتابی چاپ و منتشر می‌نماید.

تک‌برگ‌های چاپی

مراد ما از تک‌برگ‌های چاپی هر نوع سند تک‌برگ و یا تک‌فرمی در ابعاد مختلف است که با استفاده یکی از تکنیک‌های سنتی چاپ (چوبی، حروفی، سنگی، ژلاتین، گراور) چاپ و منتشر شده است. این تک‌برگ‌ها می‌توانند در قالب‌هایی چون اعلان، نقشه، اسکناس، کارت پستال، تمبر، بلیت، تقویم، اوراق هویتی، ادعیه و طلسم، قرارداد، فاکتور، رسید، تصویب‌نامه‌ها و... منتشر شده باشند.

در این مقاله ما از جهت تاریخی تنها به دوره نوپایی صنعت چاپ و یا به اصطلاح فرنگی آن اینکونوبولا^۴ می‌پردازیم. این اصطلاح به معنی گاهواره و نیز کنایه از دوره کودکی و محدوده اولیه ورود این صنعت در ایران است.

اهمیت تک‌برگ‌های چاپی

درست از زمانی که صنعت چاپ پای به ایران می‌گذارد، آهسته آهسته بخشی از اسناد و فرامین، قبوض، اعلان‌ها و... شکل چاپی به خود می‌گیرند. با ورود صنعت چاپ سنگی تغییر شکل سنتی و کتابت بسیاری از فرامین، دستورات و... که جنبه عمومی داشته سرعتی بیشتر به خود می‌گیرد. چراکه این تکنیک امکان فوق‌العاده برای چاپ هر نوع مدرکی با شکل و خط دلخواه در سریع‌ترین

زمان ممکن و با تیراژی بالا بود.

همین امر موجب گردید تا تک‌برگ‌های چاپی شایع‌گردیده و به‌وفور مورد استفاده‌های دولتی، تجاری، اطلاع‌رسانی و... قرار بگیرند. هرچه به پایان دوره قاجار نزدیک‌تر می‌شویم تعداد و تنوع انتشار تک‌برگ‌های چاپی بیشتر و استفاده از تکنولوژی چاپ برای تولید این قبیل منابع چاپی افزون می‌گردد.

بنابراین حجم قابل توجهی از اسناد و مدارک تولید شده در دوره قاجار شکل چاپی داشته و یاد رستترآماده چاپی به نگارش درآمده است. همین موضوع باعث می‌گردد که توجه پژوهشگران و فهرست‌نگاران را به این قبیل منابع چاپی کتابخانه‌ای و آرشیوی دوچندان نماید.

دلایل کمیاب، نادر و دیرپای بودن تک‌برگ‌های چاپی

اوراق تک‌برگ اعم از چاپی و خطی آن همواره در معرض خطرات و آسیب‌های جدی بوده و هستند، افسوس بیشتر آنکه بی‌توجهی ما نسبت به این قبیل مانع چاپی در برابر منابع چاپی چون کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها بیشتر بوده است. ایرج افشار این بی‌توجهی را چنین توصیف می‌نماید:

«در ایران معمولاً مرسوم نیست که ورقه‌های چاپی روزگانی نگاه‌داری شود. آنها را می‌خوانیم و به دور می‌افکنیم. کتابخانه‌ها هم اهمیتی به آنها نداده‌اند. بهمین ملاحظه است که از اعلامیه‌های سیاسی، شب‌نامه‌ها و فوق‌العاده‌های روزنامه‌ها و دیگر اوراق و اسناد چاپی «ورقه‌ای» گذشته کمتر می‌توان اثری یافت. گاهی لای کتابی کهنه چنین اوراقی به دست می‌آید».^۵

از جمله دلایلی که می‌توان به اجمال برای عدم توجه به این قبیل منابع چاپی و در نتیجه کمیاب شدن و یا دیرپای بودن آنها ذکر نمود موارد زیر است:

۱. گذر تاریخ

متأسفانه گذر زمان و تندباد حوادث تا اندازه بسیاری به میراث فرهنگی و مکتوب ما آسیب وارد نموده و خواهد نمود. بخشی از آنها از روی قضا و قدر و بسیاری از روی جهالت و سهل‌انگاری ما مردم اتفاق افتاده و خواهد افتاد.

۲. آسیب‌پذیری و مفقود شدن

این اوراق به علت تک‌برگ بودن و اینکه در میان لفافه و جلد قرار نمی‌گیرد، در معرض انواع و اقسام آسیب‌های رطوبت، گرد و غبار، حشرات، پارگی، مخدوش شدن و... قرار دارند. در گذشته عادت برخی بر این بوده که این نوع از اوراق را در لابه‌لای کتابی جاساز نمایند و همین امر باعث گردیده تا حفظ شوند. البته تا سالیان سال هیچ‌کس سراغی از آنها نگرفته و به‌ورطه فراموشی سپرده

۵. قبالة تاریخ: یادداشت.

شده‌اند و شاید از بخت‌یاری ما هرازگاهی و به بهانه‌ای کسی سراغ این کتاب‌ها رفته و اثری از آنها مکشوف می‌شود.

۳. بی‌توجهی عمومی

برای عامه مردم و حتی پژوهشگران تک‌برگ‌های چاپی نسبت به منابع چاپی دیگری چون کتاب و روزنامه و مجلات از اهمیت بسیار کمتری برخوردار است. خاصه آنکه این منابع چاپی در زمان خود در تیراژی زیاد چاپ شده و به‌فرد در دسترس هستند. همین بی‌توجهی مقدمه‌ای برای آسیب‌پذیر بودن این قبیل منابع چاپی است.

۴. عدم آشنایی تک‌برگ‌های چاپی

پژوهشگران، آرشیو‌داران و فهرست‌نگاران نسخ خطی متاسفانه با تاریخ و تکنیک‌های چاپ سنتی آنگونه که باید آشنا نیستند و همین موضوع موجب گردیده تا این نوع از منابع چاپی آنگونه که باید شناسایی و در معرض دید قرار نگیرند

۵. دلایل سیاسی

برخی از تک‌برگ‌های چاپی چون دارای محتوای سیاسی هستند، هم نگهداری آن‌ها محل تردید بوده است و هم به جهت ترس از عواقب مطالعه و یا نگهداری بلافاصله پس از خواندن آن امحاء می‌گردید. افشار در این خصوص می‌گوید:

«علت دیگری هم موجب شده است که از چنین اعلامیه‌ها و گزارش‌های سیاسی گذشته چیز چندانی در دست نیست و آن خشونت و اختناق و احتمال صدمات ناشی از وضع سیاسی مملکت بوده است. طبیعتاً دارندگان و خوانندگان این‌گونه اوراق برای حفظ حیثیت و دوام آسایش خاطر خود از نگاه‌داری آنها پرهیز داشته‌اند.»^۶

تک‌برگ‌های چاپ حروفی (سربی)

اولین کتاب چاپی ایران یعنی رساله جهادیه در رمضان سال ۱۲۳۳ق. در شهر تبریز توسط محمدعلی بن محمد حسین آشتیانی چاپ و منتشر می‌گردد. کمتر از ۶ سال بعد اولین کتاب چاپ حروفی در طهران با نام محرق القلوب نوشته ابی‌ذر نراقی به تاریخ صفر سال ۱۲۳۹ق. توسط زین‌العابدین تبریزی منتشر می‌گردد.^۷

تکنیک چاپ حروفی (سربی) قریب دو دهه تنها تکنیکی است که همزمان هم در تبریز و هم در طهران و بعدها اصفهان و همدان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. و شکی نیست که در این

۶. قبالة تاریخ: یادداشت.

۷. از این کتاب، نسخه‌هایی در کتابخانه آستان قدس (۶۵۰۲)؛ مسجد اعظم (ش: ۴۴۹۹۶) و محدث ارموی (ش: سربی/۱۰) موجود است.

شهرها به جز چاپ کتاب، چاپ و انتشار تک برگ‌ها با موضوع‌های مختلف مرسوم بوده است.

فرمان نشان شمسیه

تاچندی پیش هیچ نمونه‌ای از تک‌برگ‌های چاپ حروفی (سربی) سراغ نداشتیم، حتی گزارشی از این قبیل تک‌برگ‌ها در گاهواره چاپ ایران نیز به دست ما نرسیده است. اما خوشبختانه اخیراً یکی از نادرترین نمونه‌های اوراق تک‌برگ چاپ حروفی (سربی) شناسایی می‌گردد.

اولین بار این اعلان را در وب‌سایت هستان^۸ که پایگاهی برای انتشار تصاویر و اسناد مختلف تاریخی است رؤیت نمودم. مجموع تصاویر این پایگاه به همت مرحوم استاد محسن میرزایی (۱۴۰۱-۱۳۱۱) گردآوری و در این وب‌سایت بارگذاری شده است. ایشان از روزنامه نگاران با سابقه و پایه‌گذار تبلیغات نوین و نویسنده چندین عنوان کتاب مانند ۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی، تاریخچه بریگاد دیویزیون قزاق (از کلنل دومانتویچ تارضاخان میرپنج سوادکوهی) تاریخ افشاریه و ... است.

در هنگام گشت و گذار در این وب‌سایت به سندی چاپی برخورد کردم که این عبارت در ذیل آن نگاشته شده بود:

«در مورد جنگ‌های ایران و روس ۱۸۲۷ با چاپ حروفچینی چوبی قدیم»

پرواضح بود که این سند نه با حروفچینی چاپ چوبی بلکه با حروف سربی حروفچینی گشته و با کمی دقت در نوع حروف به کاررفته در آن و متن و محتوای سند مشخص گردید که در ایران منتشر شده است. اما کیفیت نسخه منتشر بر روی وب‌سایت به هیچ وجه قابل قبول نبود. با نامه‌نگاری که با این وب‌سایت انجام دادم از سر محبت خانم دکتر مینو میرزایی فرزند مرحوم محسن میرزایی نسخه با کیفیت‌تری از این سند برای من ارسال نمود، اما متأسفانه بانیان این وب‌سایت هیچ اطلاعی از اینکه اصل سند کجاست نداشتند. بعد از بازخوانی متن و جستجو در منابع مختلف موفق به پیدا کردن اصل سند و تصویر با کیفیت‌تری از آن در کتابخانه مجلس شدم. این سند بدین صورت توسط مرحوم احمد منزوی در فهرست کتابخانه مجلس معرفی شده است:

«۱۲- فرمان: (فارسی)

این فرمان از طرف فتحعلیشاه برای کسانی صادر شده است که در جنگ ایران و روس نسبت به پادشاه وفاداری از خود نشان داده‌اند.

در آغاز این فرمان آمده است که ثبت حکم محکم و مبارکست سال پیش که مملکت

آذربایجان بسبب محاربان ایران و روس... و جمله چاکران را نوبت تجربه و امتحان رسید... مراسم ضمیرما نیز مثل شمس تابان بر آنها تافته، تمامی آنها را بعیای نشان شمس سرافراز و مباحی داشتیم.

در این فرمان برای کسانی که باخذ این نشان نائل آمده اند مزایا و مراتبی مقرر گشته است.

در ۲۲ سطر ۲۶ در ۱۵ خط نسخ جدول زرین لاژورد و مشکی و شکل و نشان در میان فرمان نقاش شده. متن این شکل مدور مشکی، میان آن با شبیه خورشید و یک شعر در حاشیه.

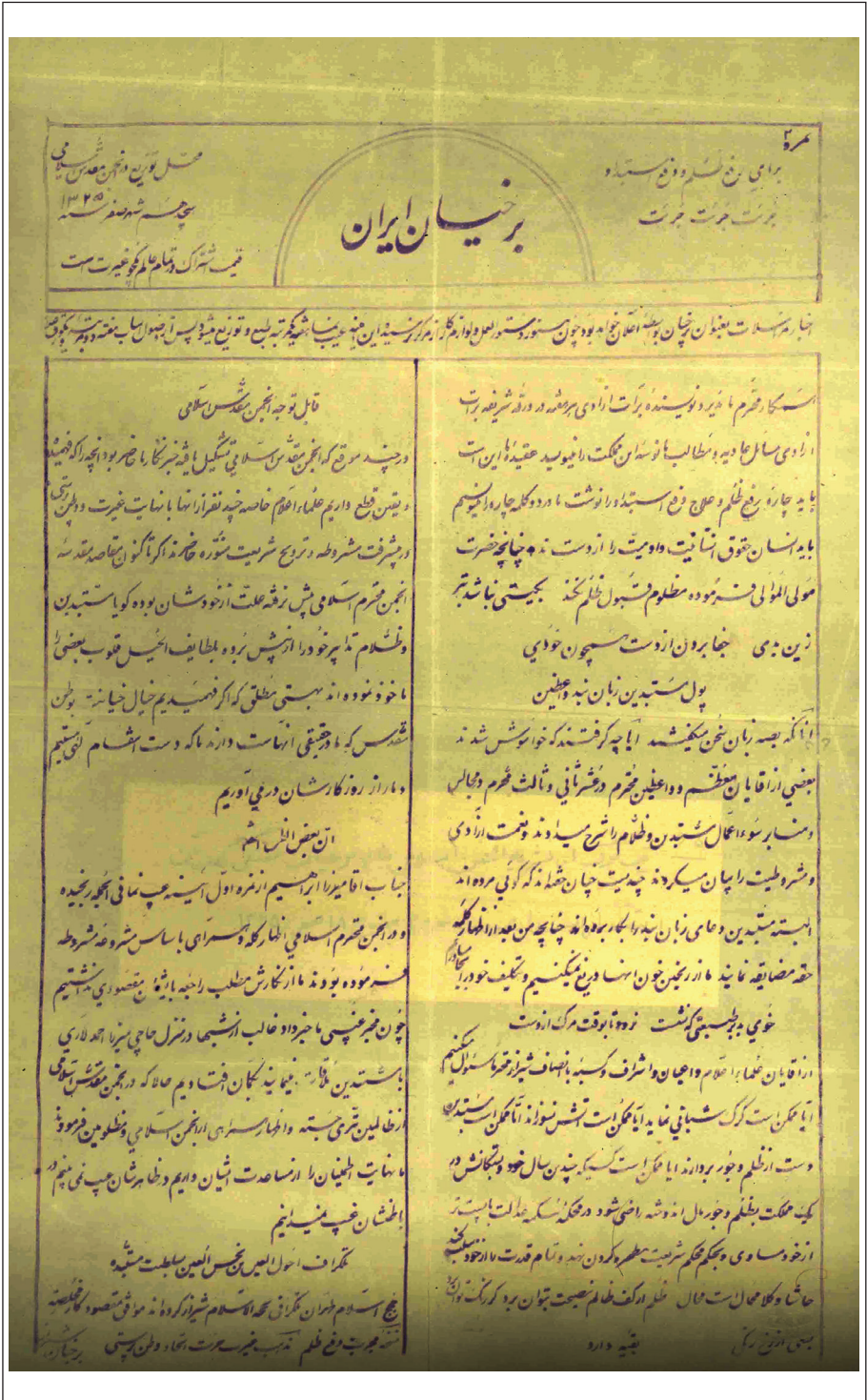
روز سختی در وفاداری چو گشتند امتحان چاکران را از وفا شاه جهان داد این نشان «

منزوی در این فهرست هیچ اشاره ای به چاپی بودن این فرمان نکرده است و متاسفانه از سال انتشار این فهرست یعنی ۱۳۴۷ تا به امروز این فرمان با اهمیت از منظر پژوهشگران تاریخ چاپ و قاجار پژوه دور مانده بود. عدم آشنایی و یا اشراف فهرست نگاران با تاریخ و تکنیک های چاپ یکی از معضلات بزرگ و مشهود در فهرست نگاری کتابخانه های مختلف ایران و جهان است. معضلی که در برخی موارد باعث می گردد که یک اثر چاپی کهن، ارزشمند و چه بسا نادر به جای یک اثر دستنویس در این فهرست ها گنجانده شود. از نمونه های دیگر همین وضعیت می توان به تک برگ چاپ ژلاتینی روزنامه و یا شاید بهتر است بگویم شبنامه ای با نام برخیان ایران اشاره نمود. برخیان ایران در فهرست کتابخانه مجلس سنا که توسط محمد تقی دانش پژوه و بهاء الدین علمی انواری فهرست گردیده بدین شکل معرفی شده است:

«برگ ۶۵- یک برگ از روزنامه برخیان ایران نمره ۲ انجمن اسلامی مورخ ۱۸ صفر ۱۳۲۵ با عنوان های: برای رفع ظلم و رفع استبداد، پول مستبدین زبان بند و اعطین، قابل توجه انجمن مقدس اسلامی، ان بعض الظن اثم، تلگراف احوال لعین بن نجس العین به سلطنت مستبده.»^۹

در این فهرست که توسط مرحوم محمد تقی دانش پژوه و بهاء الدین علمی انواری تهیه و تنظیم گردیده فهرست نگار هیچ اشاره ای به چاپی بودن این تک برگ و از طرفی تکنیک چاپ آن که ژلاتینی است ننموده است. و بعد از قریب به سی سال آقای کوروش نوروزمرادی طی مقاله ای با عنوان «برخیان ایران، شبنامه ای نویافته از مشروعه خواهان شیراز»^{۱۰} به چاپ ژلاتینی بودن این سند اشاره می نماید.

۹. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق): ۲۸۹/۲.
۱۰. برخیان ایران، شب نامه ای نویافته از مشروعه خواهان شیراز: ۹۸۸.



برخیان ایران

برای روزنامه چاپ شده
برکت جرات جرات

مسل ۱۳۲۵
چشم شونده
قیه شکران قلم که کج غیرت است

جناب سردار استبداد بنده ای که در این روزگار از سر رسیدن این عهدی که در تاریخ و تواریخ می شود پس از این سال بنده و دیگر کجانی

کجا شرم با خیر و نیکبختی بگردد از روی بر سر نه در دفتر شریف است
 از روی سال عادی و مطالب آن سنان بگردد رانی و عید آن است
 باید چاره فریغ غم و حزن و غم است و در نوشتن ما در و کلمه چاره و این هم
 باید انسان بتوق بنانیت و اوست را از دست نه چنانچه حضرت
 مولی المومنی منته بوده مظلوم مشبول غم کند بگیتی نباشد بر
 زین بی جناب و زن از دست سپهر خودی
 پول سستیدن بان بنده عینین

آنکه بجهت بان سخن نیکبختی ایچ که فرستد که خواهرش شده اند
 بعضی از اقا بان معظّم و در عین محرم و قهر ثانی و ثالث محرم و جلال
 و شرف بر سر و اعمال سستیدن و نظام را شرح میدهد و نعمت از روی
 و شرف و طیب را چنان میگرداند چنانچه بیت چنان شده که کوئی مرده اند
 ایستد سستیدن و حامی زبان نبد و با کلام برود و نه چنانچه بعد از انجا که
 همه مضایقه نماید ما از زمین چون انسان و این نیکبختی و تکلیف خود را
 خوبی بدین سبب که گشت زود با وقت مرگ از دست

از آقا بان عظمی و عظام و احوال و شرف کسب با نماند شرف و کمال
 آبا بگردد که شرف شایانی نماید آبا بگردد که شرف شایانی نماید
 دست از غم و غم برود از آنجا که است که بگردد سال خود و بگردد
 کج بگردد بگردد و جرم دل نه شده واضح شود و بگردد که بگردد بگردد
 از خود و بی و حکم حکم شریف حکم کردن بنده و تمام قدرت ما از خود
 حاشا و کلام است حال غم از کف غم صحبت توان بود که کج و کج
 بیستی از کج و کج قیه داره

قابل توجه انجمن محققان اسلامی

در چند مرتبه که انجمن محققان اسلامی تشکیل یافته بر کارها خبر بوده و بعد از آن
 در قیاس قطع داریم علماء اعظم خاصه بنده تقریراتنا با نمانت غیرت و دل
 در شرف شرف و در شرح شرفیت شرفه چنانچه اگر ما کونان خاصه بنده
 انجمن محترم اسلامی پس زنده علت از خودشان بوده که ایستد بان
 و نظام ما پر خود را از پیش برده بطایف انجمن قیاس قیاس
 ما خود نموده اند بهستی مطلق که اگر فهمیدیم حال خیانت بگردد
 محققان که در تحقیق انمانت دارند ما که دست هشتم انجمن
 و ما از روزگارشان در بی آوریم

ان بعضی انجمن

جناب آقا میرزا ابراهیم از گروه اول این عهد منافی بگردد
 او در انجمن محترم اسلامی انجا که به سرای با ساس شرف و شرف
 همه نموده بودند ما از کارش مطلب را بنده ایچ بقتضای بدین شرف
 چون بجز نفیسی ما خبر داد و غالب از شرفی و منزلت ما چنانچه از روی
 بگردد بنده ایچ بنده ایچ کجانی وقت ویم حال که در انجمن محققان
 از طریقین شرفی بسته و انجا که سبب انجمن اسلامی و مظلومین فرموده
 ما نمانت لطیفان را از سعادت ایشان و دریم و در شان جیب نمی بود
 انجمن محققان

تکرات انجمن محققان اسلامی سلطنت شده
 هیچ اسلام عمران گزانی همه اسلام شرف و کجانی موقوف تصور و بگردد
 شرف جرات دفع غم کجانی سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

تصویر ۴. روزنامه برخیان، ایران: بی جا، ۱۸ صفر ۱۳۲۵ ق. چاپ ژانتین (کتابخانه مجلس)

۲۰۰ آینه پژوهش
سال ۳۴، شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۲

مشخصات فیزیکی

این اعلان با تکنیک چاپ حروفی (سربی) و به خط نسخ در ۲۲ سطر و ابعاد ۲۶ در ۱۵ سانتی متر^{۱۱} و مجدول منتشر شده است. متن به شکل عمودی و با جانمایی فضایی خالی در بالای صفحه برای کشیدن تصویر نشان حروفچینی گردیده و از کارکتر* برای جداسازی جملات و بخش‌های مختلف متن به صورت تکی و زوج بهره‌برده شده است.

تاریخ چاپ

در این تک‌برگ هیچ اشاره‌ای به تاریخ چاپ نشده است. اما از محتوای آن مشخص است که این اعلان پس از پایان جنگی که میان ایران و روسیه انجام و منتهی به عهده‌نامه ترکمانچای گردید منتشر شده است. دوره دوم جنگ‌های میان ایران و روسیه از سال ۱۸۲۶م. آغاز و نهایتاً در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ق. برابر با ۲۱ فوریه سال ۱۸۲۸م. در قریه ترکمانچای در نزدیکی میانه منجر به عهده‌نامه ترکمانچای می‌گردد.^{۱۲} با توجه به عبارات صدر این اعلان:

«... سال پیش که مملکت آذربایجان بسبب محاربات ایران و روس محل انواع فتنه

و آشوب شد...»

اینگونه به نظر می‌رسد که این فرمان بعد از پایان جنگ میان و روسیه و بعد از عهده‌نامه ترکمانچای صادر گردیده است و اشاره به سال پیش مؤید این نکته است که به احتمال قوی این اعلان در سال ۱۲۴۴ق. صادر و چاپ شده است.

چاپخانه و مکان چاپ

متأسفانه در اعلان هیچ اشاره‌ای به مکان چاپ و یا چاپخانه نگردیده است و با توجه به تاریخ احتمالی چاپ آن و اینکه در آن تاریخ دردو شهر تبریز و طهران چاپخانه چاپ حروفی دایر بوده، احتمال اینکه این اعلان در هر کدام از این دو شهر به چاپ رسیده می‌باشد.

بررسی حروف به کار رفته در فرمان نشان شمسیه از جهت طراحی و حروفچینی و مقایسه و تطبیق آن با کتاب‌های منتشره در تبریز و طهران در همان دوران احتمال اینکه این فرمان در تبریز به چاپ رسیده باشد را تقویت می‌کند.

در شهر تبریز تا پیش از ورود تکنیک چاپ سنگی و منسوخ‌گشتن چاپ حروفی (سربی) ۸ عنوان کتاب به صورت چاپ حروفی منتشر شده است. قابل توجه اینکه بیشتر کتاب‌های منتشره در تبریز دارای ابعادی کوچک با طول و عرض کمتر از ۲۱ در ۱۶ سانتی متر هستند، اما یک کتاب با عنوان ابواب الجنان در قطعی بزرگ و دارای طول و عرض حدود ۳۰ در ۲۰ سانتی متر می‌باشد. (جدول

۱۱. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۱۰/۱۵.

۱۲. ایران و آذربایجان در بستر تاریخ و زبان: ۱۰۶

هو الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم

لله الحمد والمنة ان فيض عهد قيروز و بخت جهان افروز شاهنشاه كنجي پناه خسرو
 عادل دين پروردار با ذل و ايدگري سايه فيض بزدان مانه امن و امان افتاب علم ماه
 پرچم زحل محل مشري عمل بهرام بزم ناهيدل بزم تيردبير انترنا نتر سبحا اهنك شهاب
 خلدنك اذر قهر صلمه در باهمين زمين همكين شهجي كه در دكش جام و جاه او جمشيد
 شهجي كبر شتاب برهوش و هنتك او هو شنك السلطان بن السلطان و الخاقان
 ابن الخاقان بن الخاقان ابوالفتح و العلي فعملی شاه قاجار خلد الله سلطانه و عم علی
 الخاقين احسانه و محاسن مجاهد جليله و ميامن مساعي جميله خلد بوي همال افتاب
 جمال اسمان كمال خور شيد چتر كيوان قدر ماه علم مشري شم بهرام كين ناهيدل اين
 عتاد كلك ستاره سلك خليفه سلطان الزمان و شبلمه مطاع ملوك الارض فخر الميراث
 الجاهد الغازي و المنصور المؤيد ابوالنصر و الشرف ولي عهد دولت خرا عباس ميرزا طال
 الله ستانه على صدر و العدي و انال احسانه على جمهور الورى عرصه مما لك ايران
 چون حوزه مسالمت ايمان اراسته تراز و زهره ضوان امد نظر ايف طراف اطراف در
 رسته امصار ان عرض و بدايع صنایع الكفاف در صفة اسواق ان فرض شده از بين
 معدلت شاهنشاه جهان و فيض تربت رلي عهد جوانان باب صنایع در هر صنعت
 ماهر و در اظهار عرفت سحر نند من جمله عمل طبع كه در اين ملك متد اول نبودان بين
 اهتمام و حسن التفات اولاد دولت ناهره در اير بلاد ايران معمول كشته اينك در دار
 السلطنة تبريزين كتاب مستطاب موسوم با ديوان الجان با همها مبنك ذليل عبد الله بن
 مرحوم ميرزا اخليل تبريزي مطبوع امد و خزانة دهر را اين كوه هر كرامتايه مودوع
 در اواخر شهر صفر المظفر سنه هزار و دوست و چهل
 كتبت امام بافت
 ۱۲۲۱

تصوير ۵، صفحه آغازين
 كتاب ابواب الجنان، تبريز:
 چاپخانه عبدالله بن ميرزا
 خليل تبريزي، ۱۲۴۱ق.
 چاپ حروفی (کتابخانه
 مسجد اعظم - قم)

شماره ۱) طبیعتا پس در تبریز حروفی با اندازه بزرگ تر و حتی دستگاهی که امکان چاپ در ابعاد بزرگتر داشته باشد نیز در دسترس بوده است. همچنین در ابتدای این کتاب متنی چاپی در یک برگ در مدح فتحعلی شاه قاجار، عنوان کتاب، سال نشر و نام چاپچی به کتاب ضمیمه شده است. بعد از انتشار رساله جهادیه اول به سال ۱۲۳۳ق. که کارزاری برای آزمون و خطا و یادگیری فن طراحی، حروف ریزی، حروفچینی و چاپ کتاب به شمار می رود، حروف به کار رفته در کتاب های چاپ حروفی (سربی) تبریز و بعد از آن طهران همگی بر پایه همان حروفی است که اول بار توسط میرزا زین العابدین تبریزی طراحی و ساخته و در رساله جهادیه منتشره به سال ۱۲۳۴ق. مورد استفاده قرار گرفته است. البته میرزا زین العابدین به عنوان مبدع فن طراحی حروف و حروف ریزی و حروفچینی این فن را به شاگردان خود در تبریز و طهران آموزش می دهد و لذا مثلا گلستان سعدی منتشره به سال ۱۲۳۹ق. در تبریز دقیقا همان حروف طراحی و ساخته شده توسط میرزا زین العابدین است. اما کتاب های بعدی مانند مآثر السلطانیه و ابواب الجنان با حروفی در دو اندازه و شکل تقریبا متفاوت اما بر پایه همان حروف طراحی شده و یا بهتر بگوئیم سبک میرزا زین العابدین تبریزی طراحی و ساخته شده اند. با این تفاوت که ظرافت ها و دقت های لازم حروف میرزا زین العابدین در آنها کمتر دیده می شود.

همین رویه در طهران نیز تکرار می گردد و در اوایل راه اندازی صنعت چاپ حروفی در طهران همگی کتاب ها زیر نظر میرزا زین العابدین و با حروفی که او طراحی و ساخته منتشر می شود اما آهسته آهسته با آموزش هایی که توسط او به شاگردانش داده می شود شاهد نوع دگرگونی و تغییر در حروف برخی از کتاب های منتشره در طهران نیز هستیم.

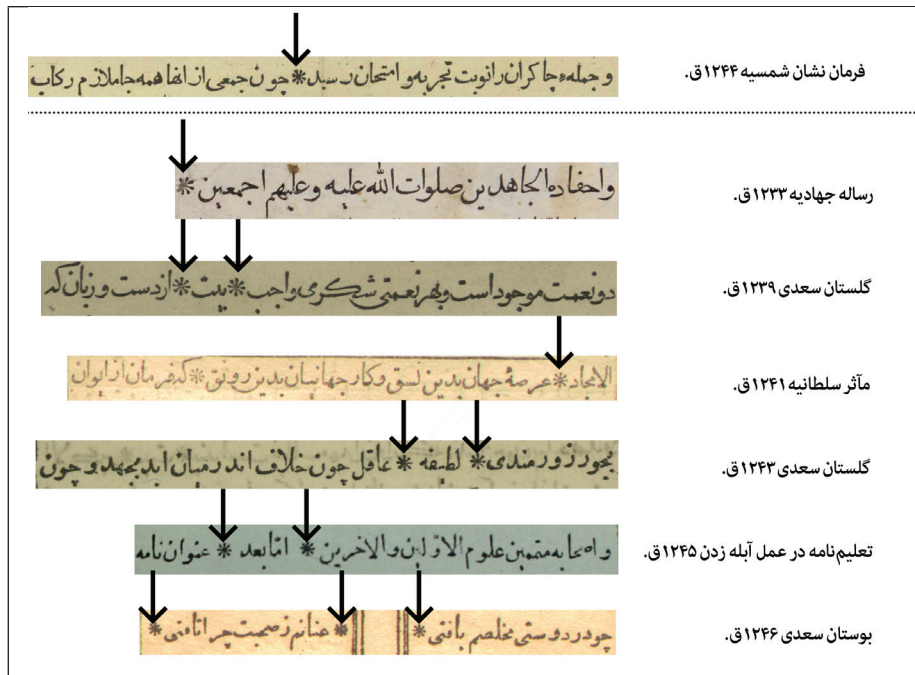
حروف طراحی و ساخته شده توسط میرزا زین العابدین که از سال ۱۲۳۹ق. در چاپ کتاب های منتشره در طهران به کار گرفته می شود. از کیفیت بسیار بالایی در طراحی برخوردار است. خط کرسی به خوبی رعایت شده و اصول خوشنویسی در مفردات، ترکیبات و اتصال ها به کار گرفته شده است. استفاده از لیگاچرو کرنیگ امری رایج و مرسوم است. از این رو کتاب های حروفی (سربی) منتشره در طهران بالاخص در دهه آغازین که شخصا زیر نظر میرزا زین العابدین به سرانجام می رسیدند بسیار چشم نواز و زیباتر از کتاب هایی هستند که در تبریز آن زمان چاپ و انتشار یافته است.

جدول شماره (۱): فهرست کتاب های چاپ سربی منتشره در تبریز

عنوان کتاب	ابعاد کتاب	چاپچی	سال نشر
۱ رساله جهادیه	۲۰/۷ × ۱۵سم.	محمدعلی آشتیانی	۱۲۳۳ق.
۲ رساله جهادیه	۲۰/۵ × ۱۳سم.	زین العابدین تبریزی	۱۲۳۴ق.
۳ گلستان	۱۷ × ۱۱سم.	زین العابدین تبریزی	۱۲۳۹ق.

سال نشر	چاپچی	ابعاد کتاب	عنوان کتاب	
۱۲۴۱ق.	محمدباقر تبریزی	۱۹/۷×۱۳سم.	مآثر سلطانی	۴
۱۲۴۱ق.	عبدالله بن خلیل تبریزی	۲۹/۶×۱۹/۵سم.	أبواب الجنان	۵
۱۲۴۳ق.	محمدعلی امین‌الشرع تبریزی	۲۰×۱۵/۵سم.	گلستان	۶
۱۲۴۵ق.	محمدعلی امین‌الشرع تبریزی	۱۴×۱۸سم.	تعلیم‌نامه در عمل آبله زدن	۷
۱۲۴۶ق.	محمدعلی امین‌الشرع تبریزی	۱۲/۷×۱۹/۲سم.	بوستان	۸

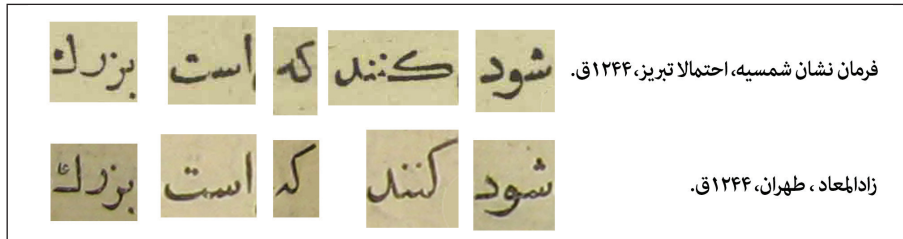
در فرمان نشان شمسیه حروفچین پانزده بار از کارکتر ستاره (*) به جای نقطه و همچنین برای آغاز پاراگراف یا عبارت جدید استفاده نموده است. امری که در دیگر کتاب‌های چاپ حروفی تبریز نیز برای همین منظور و البته گاه برای ترازبندی^{۱۳} خطوط و یا ابیات شعری به‌فوردیده می‌شود. (تصویر شماره ۶) در حالی که در کتاب‌های چاپی طهران در این بازه زمانی هیچ نمونه‌ای از بکارگیری این کارکتر برای موارد ذکر شده دیده نمی‌شود.



تصویر ۶. نمونه‌های استفاده از کارکتر (*) در کتاب‌های چاپ تبریز

با مقایسه حروف به‌کاررفته در کتاب زاد المعاد علامه مجلسی که در سال ۱۲۴۴ق. در شهر طهران وزیر نظر میرزا زین‌العابدین تبریزی چاپ شده است، با فرمان نشان شمسیه که در همین سال چاپ شده به‌وضوح می‌توان تفاوت طراحی و حتی حروفچینی میان این دو را مشاهده نمود.

در کتاب زاد المعاد اصول و ظرافت‌های خوشنویسی تا حد زیادی رعایت شده است. کشیدگی و تناسب میان حروف، ارسال در حروف، دندانه‌ها، نقطه‌ها، دورها و ... از دقت به مراتب بیشتر و بهتری به نسبت حروف به کار گرفته شده در فرمان نشان شمسیه برخوردار است و پرواضح است که طراحی این حروف، حروف ریزی و حروف چینی توسط افراد و دو چاپخانه متفاوت به انجام رسیده است. (تصویر شماره ۷)



تصویر ۷. مقایسه میان کلام مشابه در کتاب زاد المعاد علامه مجلسی (طهران: ۱۲۴۴) و فرمان شمسیه

کتاب زاد المعاد ۱۲۴۴ ق. دارای ابعاد ۵/۱۹ در ۵/۲۹ سانتی‌متر و ابعاد نوشتار ۱۴ در ۲۲ سانتی‌متر است. و تقریباً در قطعی مشابه قطع رحلی به چاپ رسیده است. فرمان نشان شمسیه نیز با ابعاد ۲۶ در ۱۵ سانتی‌متر تا حدی شبیه به همین کتاب است. این در حالی است که در کتاب زاد المعاد ۱۲۴۴ ق. با توجه به طراحی شکیل و حساب شده حروف تعداد کارکتر بیشتری (۱۹ کارکتر) در هر سطر چینی شده است و در مقابل فرمان نشان شمسیه کارکتر کمتری در سطرهای خود (۱۵ سطر) جاداده است. (تصویر شماره ۸) با این مقایسه‌ها به خوبی می‌توان تفاوت‌های سبکی در طراحی حروف، حروف ریزی و حروف چینی آنچه در طهران چاپ و انتشار یافته با آنچه در تبریز منتشر شده است را ملاحظه نمود.



تصویر ۸. مقایسه تعداد کلمات و کارکترهای به کار گرفته در کتاب زاد المعاد و فرمان نشان شمسیه

موضوع اعلان

با توجه به چاپ این اعلان در تبریز، به احتمال قریب به یقین می‌توان گفت متن این اعلان حکمی است

آینه پژوهش ۲۰۰۴
سال ۳۴، شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۲

که عباس میرزا نایب السلطنه برای اهدای نشان به سرداران و سربازانی که در جنگ با روسیه شرکت کرده و رشادتی از خود نشان داده‌اند، صادر کرده است. این نشان که از آن با عنوان «نشان شمسی» یاد شده، در سه رده طلا، نقره و مُطَلّا ساخته و اهدا گردیده است. در مرکز این نشان شمس‌های شانزده پر قرار گرفته و در اطراف آن بیت زیر به خط نستعلیق و به صورت مدور کتابت شده است:

روز سختی در وفاداری چو گشتند امتحان چاکران را از وفا شاه جهان داد این نشان



تصویر ۹. طرح نشان
شمسی، حدوداً سال
۱۲۴۴ق. (کتابخانه
مجلس - تهران)

در این حکم بیان شده است که دارنده نشان دارای جایگاه ویژه‌ای است و کوچک و بزرگ ملزم به حفظ احترام و پاسداشت مقام او هستند. همچنین درشش بند مزایای داشتن «نشان شمسی» شرح داده شده است.

تک‌برگ‌های چاپ سنگی

با ورود تکنیک چاپ سنگی به تبریز و بعد از آن طهران و سایر شهرهای ایران شاهد افزایش چشمگیر تک‌برگ‌های چاپی هستیم. اولین تلاش برای راه‌اندازی این تکنیک در ایران در آغازین سال‌های ورود صنعت چاپ حروفی (سربی) صورت می‌گیرد. زمانی که عباس میرزا یکی از هنرمندان نقاش دربار با نام الله‌وردی افشار را برای فراگیری فنون چاپ به شهر تفلیس می‌فرستد. در یکی از صورت‌جلسه‌های کمیسیون باستان‌شناسی قفقاز، طی نامه‌ای که ژنرال ولیامینوف، به تاریخ ۵ مارس ۱۲۳۶ق/۱۸۲۱م برای عباس میرزا فرستاده، از بازگشت استاد ایرانی به تبریز پس از فراگیری کار چاپ سنگی در تفلیس سخن گفته است.^{۱۴} متن نامه ژنرال ولیامینوف به عباس میرزا، مورخ ۵ مارس ۱۸۲۱، به شماره ۶۴۷، از این قرار است:

«نقاش الله‌وردی که توسط اعلیحضرت به تفلیس فرستاده شده بود، هنگام عزیمت فرمانده کل قوای گرجستان، در این جا اقامت داشت.

از این رو، تحت اداره اینجانب، در غیاب اعلیحضرت، بواسطه معتمد امور روسی در ایران، آگاهی یافتم که دوست دارید این نقاش هنر چاپ کتاب را بیاموزد، آن را با

۱	ثب حکم محکم و مبارکست
۲	سال پیش که مملکت اذربایجان بسبب محاربات ایران و روس محل انواع فتنه و آشوب شد
۳	و جمله چاکران را نوبت تجربه و امتحان رسید* چون جمعی از آنها همه جا ملازم رکاب
۴	مسعود کشتند و وفای چاکری آنها از افق خدمت مثل شمس انور ظاهر و جلوه کرآمد مراحم
۵	ضمیر منیر ما نیز مثل شمس تابان بر آنها تافته تمامی آنها را بعطای نشان شمسی
۶	سرافراز و مباهی داشتیم* و اگر چه نشانها بعضی طلا و برخی نقره
۷	و مطلاست این اختلاف نه از اینست که نشان طلا در مرتبه و
۸	حرمت از نشان نقره و مطلا بیشتر باشد بلکه نشانها همه در حرمت مساوی اند
۹	و اختلافی که شده بسبب مرتبه و شان اشخاص است** و همچنین علاوه بر عطای نشان
۱۰	احترامات و عنایات دیگر بملاحظه اعزاز ایشان معین ش و اعلام و تشهیران بهمه کبیر
۱۱	و صغیر لازم کشت* از جمله مقرر است* که اهل وفا بانشان وفا بهرجا وارد شوند
۱۲	اعم از موقف حضور اقدس و دیگر مجالس و مجامع بر اقران و امثال خود تقدم کنند
۱۳	و احترام آنها بقدر مایه و پایه بر خاص و عام نوکرو رعیت از مقتضیات دولت خواهی
۱۴	و فدویت باشد* دیگر مقرر است* که از آنها هر که مرتکب تقصیر و مستوجب تعزیر شود
۱۵	مؤاخذه و محاکمه او در موقف حضور اقدس یا دیوانخانه بزرگ باشد* دیگر مقرر است
۱۶	که هر که از آنها مستحق عزل شود یا از خدمت استعفا کند اگر چه از جمله اشخاص
۱۷	بی منصب باشد بی حکم و اجازت دیوان نشود چرا که او را در حرمت با سایرین تفاوتست
۱۸	* دیگر مقرر است* که هر یک آنها را اجل موعود در رسد فوراً بدیوان عرض و اعلام
۱۹	شود و از دیوان علوه بر پرسش و التفات مرحمتی مخصوص و عنایتی معلوم از ابقای
۲۰	منصب یا انجام مطلب در حق اولاد او تا یک پشت برقرار شود* دیگر مقرر است* که
۲۱	در احکام و ارقام و سایر تحریرات دیوانی و غیر دیوانی در القاب آنها صاحب مرتبه
۲۲	و نشان وفا مرقوم گردد* دیگر مقرر است* که در اعیاد بزرگ و اوقات مخصوصه که جشنی
۲۳	مخصوص در دولت مهیا و مرتب میگردد هر که از آنها حاضر باشد احضار و مورد التفات گردد

نبت حکم محکم و میزان کست

سال پیش که مملکت آذر باجان بسبب محاربات ایران و روس محل انواع فتنه و آشوب شد و جمله چاکران را نوبت تجربه امتحان رسید * چون جمعی از آنها همه جاملازم رکاب مسعود کشتند و وفای چاکری آنها از افق خدمت مثل شمس انور ظاهر و جلوه کرامت مراحم ضمیر منبر مانیز مثل شمس تابان بر آنها تافته نامی آنها را بعیای نشان شمسی سرفراز و مباهی داشتیم * اگر چه نشانها بعضی طلا و برخی نقره و مطلاست لکن این اختلاف نه از حرمت از نشان نقره و مطلا بیشتر باشد بلکه نشانها همه در حرمت مساوی اند و اختلافی که شده بسبب مرتبه و شان اشخاص است * و همچنین علاو بر عیای نشان احترامات و عنایات دیگر بملاحظه اعزاز ایشان معین شد و اعلام و تشریح همه کبیر و صغیر لازم گشت * از جمله مقرر است * که اهل و فابان نشان و فاجر جاورد شوند اعم از موقف حضور اقدس و دیگر مجالس و مجامع بر اقران و امثال خود تقدم کنند و احترام آنها بقدر مایه و پایه بر خاص و عام نوگرو رعیت از مقتضیات دولت خواهی و فدویت باشد * دیگر مقرر است * که از آنها هر که مرکب تقصیر و مستوجب تعزیر شود مواخذة و محاکمة او در موقف حضور اقدس یا دیوانخانه بر رک باشد * دیگر مقرر است که هر که از آنها مستحق عزل شود یا از خدمت استعفا کنند اگر چه از جمله اشخاص بی منصب باشد بی حکم و اجازت دیوان نشود چرا که او را در حرمت با سایرین تفاوتست * دیگر مقرر است * که هر یک از آنها را اجل موعود در رسد فوراً بدیوان عرض و اعلام شود و از دیوان علاو بر پرسش و التفات مرحمتی مخصوص و عنایتی معلوم از ابقای منصب یا انجام مطلب در حق اولاد او نایب پشت برقرار شود * دیگر مقرر است * که در احکام و ارقام و سایر تحریرات دیوانی و غیر دیوانی در القاب آنها صاحب مرتبه و نشان و فامر قوم گردد * دیگر مقرر است * که در اعیان و بزرگ و اوقات مخصوصه که جشنی مخصوص در دولت مهیا و مرتب میگردد هر که از آنها حاضر باشد اجضار و مورد التفات گردد



تصویر ۱۰. فرمان نشان
شمسیه، آذربایجان: بی‌چاپ،
حدوداً سال ۱۲۴۴ ق.
چاپ حروفی (کتابخانه
مجلس-تهران)

کمال میل برای خود وظیفه دانستم که تمام کمک‌های خود را برای جلب رضایت اعلیحضرت انجام دهم و تحت هر شرایطی عالی‌ترین حس احترام خویش را به صاحب فضایل نادر و پرهیزکاری - که شهره آفاق است و زینت بخش شخصیت عالی شما است - برآورده نمایم؛ و به همین دلیل، بهترین تیپوگرافیست را سپردم تا نه تنها هنر چاپ کتاب را به نقاش شما نشان دهد، بلکه تمام قواعد را برای فراگیری، به او بیاموزد.

حالا که دیگر او خودش را در این هنر به کمال رسانده است، با تهیه یک دستگاه ماشین چاپ سنگی کامل، با ابزار متعلق به آن و تمام مواد مورد نیاز برای چاپ، او را نزد اعلیحضرت بازمی‌فرستم.

در عین حال، نمی‌توانم به عرض نرسانم که الله وردی دارای انصاف کامل هم در موهبت عالی استدلال و هم در فهم ممتاز و هم در رفتار محتاطانه و صفات بسیار پسندیده است.

علی‌ای حال، به درگاه خداوند دعا می‌کنم که شما را در انجام تمام نیت بلندی که توسط شما برای خیر مردم و سر بلندی ایران ترتیب داده شده، موفق بدارد.^{۱۵}

با توجه به این سند قدر مسلم، افشار این صنعت را فرا گرفته و با دستگاه و تجهیزات چاپ به تبریز آمده است؛ اما متأسفانه تا به امروز از چاپخانه او و یا احتمالاً کارهای چاپی او اطلاعی در دست نیست و اینگونه به نظر می‌رسد که گویی او هیچ‌گاه موفق به راه‌اندازی چاپخانه و انتشار هیچ اثری نشده است.

دومین تلاش برای راه‌اندازی تکنیک چاپ سنگی در ایران زمانی صورت می‌گیرد که پس از قتل سفیر روسیه، الکساندر گریبایدوف (۱۷۹۵-۱۸۲۹ م.)^{۱۶} در ایران به جهت غائله‌ای که در سال ۱۸۲۹ م. / ۱۲۴۴ ق. اتفاق افتاد، عباس میرزا هیئتی به سرکردگی پسر خود، خسرو میرزا (۱۲۲۶-۱۳۰۱ ق.)، مشتمل بر فاضل خان گروسی (۱۲۵۹-۱۱۹۸ ق.)، محمدخان زنگنه امیر نظام آذربایجان، محمد صالح بن محمد باقر شیرازی به عنوان مترجم، میرزا بابا حکیم باشی پزشک خسرو میرزا، میرزا مسعود مستوفی انصاری رئیس سپاه (د: ۱۲۶۵ ق.) و میرزا تقی‌خان فراهانی معروف به امیرکبیر (۱۲۲۲-۱۲۶۸ ق.)، محمدحسین ایشک آقاسی باشی و... را با هدف دلجویی برای قتل گریبایدوف وزیر مختار روس در طهران به روسیه فرستاد.

۱۵. شچگلوا در کتاب خود تنها به این نامه اشاره و بخش کوچکی از آن را ذکر می‌کند. متن کامل این نامه به زبان روسی را پروفسور الیش مارزولف برای من ارسال کرد و آقای فتح‌الله ذوقی زحمت ترجمه آن را متحمل شد.

16. Alexander Griboyedov

میرزا صالح شیرازی در این سفر است که از قرار معلوم دستگاه چاپ سنگی را می‌بیند و با این تکنیک آشنا و تصمیم می‌گیرد که آن را به تبریز منتقل کند. مصطفی بن نصرالله افشار منشی که به همراه این هیئت به روسیه رفته و وقایع سفر را به نگارش درآورده است، در بخشی از این سفرنامه اشاره می‌کند که در بازدید از کاخ امپراتوری ارمیتاژ در یکی از بخش‌های کاخ (مقابل عمارت زمستانی امپراتور)، چاپخانه‌ای وجود داشت که در آن نقشه کشیده و چاپ می‌کردند:

«... لهدا باسمه نقشه و کشیدن نقشه و ساختن اسباب مهندسی و باسمه احکام هم به سیاق قالب چنانکه در ایران متداول شده و هم به سیاق لیتوگرافی در این شعبه است و لیتوگرافی آنکه با مرکبی مخصوص که قوه نافذ دارد، نقشه را میکشند یا صفحه را مینویسند، بعد از آنکه خشک شد، نقشه یا صفحه را بر روی سنگی سست انداخته و زیر منگنه فشارش میدهند و آن مرکب بر سنگ نفوذ می‌کند بعد از آن سنگ را با روغنی مخصوص شسته، لکه‌های آن را پاک می‌نمایند و دوباره با دسته [ای] که بچرم گرفته شده، روی آن سنگ را می‌مالند و نقشه و خط چنانکه بود، بروز می‌کند. بعد کاغذ نم کرده بر آن انداخته در منگنه فشار میدهند و نقشه یا خط بر این کاغذ نقل میشود و اگر آلی غیر النهایه کاغذ بر آن سنگ بیندازند و به منگنه فشار دهند همان نقشه و خط بروز خواهد کرد...»^{۱۷}

از سمتی دیگر، سوختن^{۱۸} که هیئت ایرانی را همراهی می‌کرده نیز طی نامه‌ای به سفارت تبریز درباره برخورد میرزا صالح با این تکنیک و جلب نظر او چنین می‌گوید:

«چاپ سنگی برای میرزا صالح بسیار جالب بود و خسرو میرزا چنان از این هنر خوشش آمد که یک دستگاه کامل چاپ و یک استادکار چاپگر همراه خود به ایران برد.»^{۱۹}

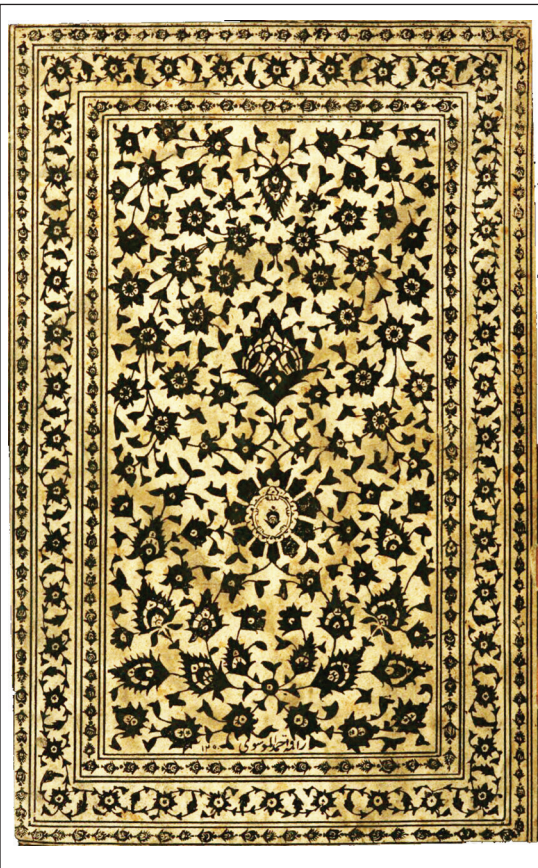
میرزا صالح با انتقال دستگاه چاپ سنگی و راه‌اندازی چاپخانه تبریز، سرآغازگر انقلاب چاپ کتاب در ایران می‌شود. تا سال ۱۲۴۹ق.، تنها تکنیک چاپ مورد استفاده، همان تکنیک چاپ حروفی است. هزینه بالا، سرعت پایین و محدودیت‌های چاپ حروفی برای انتقال بهتر متون فارسی به مخاطب، از جمله دلایلی است که موجب شد این تکنیک، آن چنان که باید در تبریز و طهران و دیگر شهرها شایع نگردد. اما تکنیک چاپ سنگی به دلیل سرعت بیشتر، هزینه کمتر، سهولت کار و قابلیت مهم انتقال هر آنچه در ذهن نویسنده و ناشر است را به هر خط و شکلی بر روی کاغذ دارد، خیلی زود در کشور شایع شده و مورد استفاده قرار گرفت.^{۲۰} اولین بار در ایران و با استفاده از تکنیک چاپ

۱۷. سفرنامه خسرو میرزا: ۲۷۵.

۱۹. تاریخ چاپ سنگی در ایران: ۴۸.

۲۰. در این باره رجوع کنید به: تاریخ چاپ سنگی اصفهان: ۹۹.

تصویر ۱۱. جلد گل و بوته،
رقم احمد موسوی،
[تبریز]: دارالطباعه تبریز،
۱۲۵۰ق. چاپ سنگی
(کتابخانه ملی اتریش -
وین)



Reference: Österreichische Nationalbibliothek (30050-B)

تصویر ۱۲. آستریدرغه
گل‌های تزئینی، رقم
احمد موسوی، [تبریز]:
دارالطباعه تبریز، ۱۲۵۰ق.
چاپ سنگی (کتابخانه
ملی اتریش - وین)

آینه پژوهش ۲۰۰۴
سال ۳۴، شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۲

سنگی قرآن مجید به خط محمدحسین بن میرزا محمد تبریزی به تاریخ رمضان سال ۱۲۴۹ق. در شهر تبریز چاپ و انتشار می‌یابد.^{۲۱}

اولین نمونه از تک‌برگ‌های چاپ سنگی جلد و آستر بدرقه رقم دارو تاریخ‌داری است که بر روی یک نسخه از قرآن چاپ سنگی مورخ ۱۲۴۹ق تبریز^{۲۲} و برخی از نسخه‌های نشان‌های دولت علیّه^{۲۳} از جمله برخی از نسخه‌هایی که در کتابخانه سلطنتی موجود بوده و فهرست نگار با عبارت «جلد کاغذی گل و بوته خالی سیاه قلم» آن‌ها را معرفی کرده^{۲۴} و یا بر روی دو نسخه از سه نسخه موجود در کتابخانه ملی^{۲۵} دیده می‌شود.

بر روی این جلد و در پایین مستطیل میانی، عبارت «راقمه احمد الموسوی ۱۲۵» کتابت شده است. (تصویر شماره ۱۱) با توجه به تاریخ این جلد به احتمال قوی این جلد در تبریز طراحی و چاپ شده است، هرچند بیشتر نمونه‌های مورد استفاده از این جلد در نشان‌های دولت علیّه که کم‌ورق‌تر بوده، و به سال ۱۲۵۲ق. در طهران چاپ رسیده مورد استفاده قرار گرفته است.

این اولین گام برای تولید یک تک‌ورقی چاپی تصویرمحور آنهم برای استفاده هنری در جلدسازی است. و اولین گام برای استفاده از تکنیک و هنر چاپ سنگی برای کاهش هزینه جلدسازی است که پیش از این بیشتر با چرم و گاه با پارچه یا مقوا و در قالب جلد‌های روغنی بوده است.

بعد از درگذشت فتح‌علی شاه قاجار و درست زمانی که محمدشاه توانست بحران جان‌شینی فتح‌علی شاه را پشت سر گذاشته و برمسند قدرت تکیه بزند، میرزا صالح شیرازی را برای سمت مترجمی و رابط بین دربار و وزرای مختار خارجه به طهران فرا می‌خواند.^{۲۶}

میرزا صالح شیرازی از همان ابتدای ورود خود به طهران تلاش می‌کند تا چاپخانه چاپ سنگی خود را در طهران و به کمک حاجی میرزا آقاسی بنا نماید و در اولین گام موفق می‌شود که در تاریخ محرم سال ۱۲۵۲ق. و برای اولین بار قانون نامه‌ای را با نام «نشان‌های دولت علیّه» که مشتمل بر فرمان و قوانینی در خصوص اعطای نشان است را در ۳۰ برگ و به خط میرزا علی اکبر تفرشی چاپ و منتشر می‌نماید. از نگاه میرزا صالح شیرازی رساله «نشان‌های دولت علیّه» هیچ‌گاه کتاب شمرده نمی‌شد، چنانچه دو سال بعد او در ترقیمه قرآنی که به تاریخ رمضان سال ۱۲۵۴ق. در طهران با تکنیک چاپ سنگی انتشار می‌دهد، این قرآن را اولین کتاب چاپ شده در باسمه‌خانه

۲۱. در حال حاضر سه نسخه از این قرآن در کتابخانه‌های مجلس (تهران)، آستان قدس رضوی (مشهد) و کتابخانه ملی اتریش (وین) موجود است.

۲۲. کتابخانه ملی اتریش به شماره B-۰۰۵۰۰.

۲۳. کتابخانه ملی تهران.

۲۴. فهرست کتابخانه سلطنتی ایران، ۳۶۱.

۲۵. رساله قانون نشان‌های دولت ایران: نخستین کتاب چاپی غیرداستانی: ۷۰.

۲۶. شرح حال رجال ایران: ۱۷۸/۲.

خود نام می برد.

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله فحمد الله ثم حمد الله که حسب الحكم محکم قضا توام شاهنشاه ظل مبسوط اله ابوالسیف والنصرة محمد شاه غازی خلد الله ملكه بنده درگاه محمد صالح مستوفی شیرازی اول نسخه را که بدار الطباعة انطباع آورد موازی یک هزار و دویست و پنجاه جلد کلام الله مجید حمید ربانی است که بندگان خدا قراءت و تلاوت کنند و بعد از هر تلاوت مستدعی است که روح پرفتوح نواب علیین مآب ولیعهد مغفور عباس میرزا نورالله مضجعه و والد ماجد جناب حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی را بفاتحه فایحه اختتام دهند چه هر یک از این دو بزرگوار را حقی تمام برانجام این عمل خیریت فرجام است که الدال علی الخیر کفا علیه وکان ذالک فی شهر رمضان المبارک من شهر سنة ۱۲۵۴ کتبه اقل العباد الداعی لایود الدولة القاهرة الباهرة محمد حسین الاصفهانی اللهم اغفر له ولوالديه».

اینگونه به نظر می رسد که باسمه خانه طهران در شروع فعالیتش امکانات و تجهیزات و نیروی انسانی لازم برای چاپ و انتشار آثار چاپی پربرگ را نداشته است و ازین رو عمده فعالیتش محدود به چاپ و انتشار آثار چاپی تک برگ و کم برگ بوده است. چنانچه هشت ماه بعد از انتشار «نشان های دولت علیّه» است که اعلام نامه ای در دو صفحه روبروی هم و به هم چسبیده و به صورت تک برگ و پشت سفید به خط نستعلیق و با تکنیک چاپ سنگی به تاریخ دهه آخر رمضان سال ۱۲۵۲ ق. در این باسمه خانه چاپ و انتشار می یابد (تصویر شماره ۱۳) که در سطر اول آن با این عبارت روبرو می شویم:

«اعلام نامه ای است که بجهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکر می نماید»^{۲۷}

این اعلام نامه اگر اولین تک برگ متنی چاپ شده با تکنیک چاپ سنگی در دوره محمد شاه قاجار نباشد، مشخصا یکی از اولین آنهاست که ما اطلاع از آن حاصل نموده ایم. ناگفته نماند که فاصله میان انتشار «نشان های دولت علیّه» تا این اعلام نامه قریب به هشت ماه است و هیچ دور از ذهن نیست که در این بازه زمانی در باسمه خانه طهران آثار چاپی دیگری منتشر شده باشد.



تصویر ۱۳. اعلام نامه (کاغذ اخبار)، طهران، باسمه خانه طهران، رمضان ۱۲۵۲ق. چاپ سنگی (مجموعه شخصی بهمن امیرحسینی)

به هروزی این اعلام نامه که از آن به عنوان نسخه طلیعه و یا شماره صفر کاغذ اخبار یاد می کنند محتوی فرمان شاه مبنی بر انتشار کاغذ اخبار و شانزده خبر مستقل مملکتی است. متن این اعلام نامه به قرار زیر است:

«برای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نمائاد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد اما اخبار شرقیه عبارتست از عربستان و اناتولی و ارمن زمین و ایران و خوارزم و توران و سیبری و مغلستان و تبت و چین و ماچین و هندوستان و سند و کابل و قندهار و گنجه و مکران و اخبار غربیه عبارتست از اخبار یورپ یا فرنگستان و افریقا و امریکا یا ینگی دنیا و جزایر متعلقه به آنها، مختصرا هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود ماهی یک مرتبه در دارالطباعة ثبت و به همه ممالک انتشار خواهد نمود؛ اکنون همین قدر اظهار می شود که بر همه طبقات خلق لازم است که بمفاد کن فی زمانک مثل اهل زمانک بنهجهی در رفتار و کردار خود قرار و مدار دهند که عامه خلق از آن قرار

زندگی می‌کنند و از آن طریقه رفتار و انحراف نورزند تا آسودگی و راحت یابند اولاً به شاهزادگان و مطلق اولار و احفاد خاقان مغفور اعلام می‌رود و این معنی ظهوری دارد که بعد از قضیه خاقان مغفور الی حال تحریر که عشر آخر شهر رمضان المبارک سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو هجریست شاهنشاه اسلام پناه به قدر خردلی در مقام دل آزاری و رنجش خاطر هیچیک بر نیامدند و گذشت و عفوهای ملوکانه در ماده هریک از ذکور و انات فرمودند، اموال بی‌شمار ایشان را در شمار نیاوردند، در نقد و مال آنها طمعی نکرده‌اند، هر کس هر چه را مالک بود در تصرف داشت و به کرات محرمان صدق بیان به عرض شهریار عدالت آثار رسانیدند که قریب بیست کرور نقد و جنس را متصرفند به علاوه جمعی کثیر از نسوان بازیگر مبلغی خطیر اسباب طلا و جواهر گرانبها و آلات نقره و اجناس نفیسه به طریق عاریت و رسم امانت به تصرف درآورده مخفی نموده‌اند البته چنین اموال را بایست تسلیم پیشکاران دولت علیه نمایند ولیکن خسرو عدل پرور از علو همت خسروانی التفات به عرض آنها نمودند با وجود اطلاع بر حقایق احوال و اوضاع رجال و نسوان دیناری از مستمری ایشان نکاستند به علاوه هر کراملکی بود به خود او واگذار نمودند و به تیول او مقرر فرمودند و همچنین وقتی چند نفر از اولاد مرحوم فرمانفرما به ولایت دور و نزدیک رفتند، التفات شاهنشاهی شامل حال ایشان شده موجب و جیره به جهت هریک برقرار نمودند، ایشان نیز به التفات شاهنشاهی امیدوار شده بعضی به مکه معظمه و برخی به عتبات عالیات و جمعی به وطن مألوف مراجعت نمودند، بلی اگر تفاوتی در اوضاع بعضی روی داده از این است که به کیفر کردار و سزای اعمال گرفتار آمده‌اند و آن این است که از هیچ‌گونه امری از معاصی و قبایح اجتناب نداشتند خاصه در اواخر عهد خاقان مغفور که بر تعدی مردمان افزودند و جمعی از نوکران خود را به راه‌زنی و ایذاء مترددین مأمور می‌ساختند، چون در این عهد فیروز از جمیع اعمال قبیحه ممنوع شده‌اند انشاء الله تعالی پس ازین، قدر راحت و لذت نیکنامی و سلامت را دریافته به آسودگی و رفاه زندگانی کرده و به سعادت ابدی قرین گردند ثانیاً به علما و فضلا و اشراف بلاد اعلام می‌رود که املاکی که در سنوات گذشته از مغضوبین به ضبط دیوانی آمده در این دو سال محض تفضل و رضای جناب باری املاک مزبور را کلاً و طراً به تصرف مالکین و وارثین دادند و هریک از فضلا و اشراف که شرفیاب پیشگاه حضور گردید مبلغی بروظایف ایشان افزودند و هر کراملکی بود به عوض مستمری به تیول دادند از آن جمله املاک جمعی که تعداد آنها بدین مختصر نگنجد تخمیناً زیاده از یک کرور قیمت آنهاست که به ایشان بخشیدند و نیم کرور هم به عموم اعزه تیول مرحمت فرمودند و قرار آنکه ده یک خراج هر ملک را به رسم

وظیفه به ارباب استحقاق بدهند که همه طبقات راضی و شاکر بوده و اگر فرضا کسی نگران باشد باب عرض باز است و کسی مانع عرض نشود و عرایض عموم خلق در حضور سلطان عادل خوانده می شود و جواب همگی صادر می گردد، بعد از این هر کدام از رعایا و ساکنین ممالک محروسه را دردی باشد اولاً به بزرگی که از جانب شاهنشاهی ناظم آن مملکتست به عرض مطلب پردازد اگر حاکم دادخواهی ننمود عرایض خود را به دیوانخانه شهرداری فرستند که همیشه آن بهشت عدن را ابواب عدل باز است، سرفرا و حضراً رعایا را در آن بارگاه بارو به جهت نظم مهمام خلایق جمعی از مقربان درگاه در آن مأمن مقیم اند و انجاح حوایج محتاجین را سرتاپا رضا و تسلیم چنانچه از مقیمان حضرت حاجت روانگشت و از همه جا و همه کس مأیوس و ناامید آمد و به دردش علاجی نشد در آن حالت به خدمت جناب حاجی میرزا آقاسی شتابد و مطالب را معروض دارد و اشخاصی که به خدمت آن جناب رسیده اند لازم است که اجمالاً معرفتی به احوالشان به هم رسانند، از بدو دولت علیه جناب معظم الیه قبول هیچ لقب و منصبی را نکرده و نمی کنند و وجود شریف را وقف انجاح مرام مردمان فرموده اند، خیرخواه بزرگان خدامایل به ضرر احدی نمی شوند غمخوار فقرا و عجزه و مساکین اند و از غایت ارادت و صداقتی که در خدمت شاهنشاه دارد اوقات شبانه روزی خود را صرف محامد ذات سایه خدا و اجرای شریعت غراء و نظم مهمام دولت اسلام و ترتیب اسباب و اسلحه سواره و نظام و آبادی بلاد و تعمیر خراب و احیای قنوات و تقویت دین مبین و حمایت دولت متین و حوایج مسلمین می نماید هرگز دردی و اندوهی باشد در خدمت آن وجود شریف عرضه دارد حاجت خود را بی منت برآورده بیند، غنی و فقیر، گدا و امیر را تفاوت نهد اگر کسی را در فقرات اخیره شکی باشد راه امتحان هم باز است و این معنی در نظر ارباب بینش مبرهن باشد که پادشاه اسلام خلد الله ملکه از روی رأفت و مروت و عدالت با کافه ناس معامله می کنند و آنچه اسباب راحت و آسودگی خلق خداست طالب اند، درین سال که بسان سپاه نظام و غیر نظام پرداختند قریب یک صد هزار نفر از سپاه رکابی و مأمور خراسان و یزد و کرمان و فارس و عراق و کرمانشاهان و قلمرو آذربایجان و مازندران و استرآباد و متوقف دارالخلافه به حساب آمده تنظیم ولایات شرقیه منظور بود و به جهت وقوع حادثه و با در خراسان تأدیب طایفه ترکمانیه الزام آمد چراکه طایفه مزبوره نه دانا به طریقه خدمت و اطاعتند و نه از رسوم نوکری و رعیتی آگاه اند برای تنبیه گوکلان و بموت عزم گرگان و ملاحظه اماکن مزبور فرمودند نظمی به امور آنها دادند و جمعی از خانواری گوکلان را به رسم گروهی به اعیال و اطفال آنها کوچانیده به دارالخلافه آوردند و چون به حسب آب و هوا و چمن و جنگل و محل

زراعت‌گران امتیاز دارد دو طایفه از طوایف ایلات ایران را محض عنایت مقرر فرمودند که در اماکن مزبور توقف و در نهایت رفاه زندگانی کنند پس از این موبک همایون به سوی دارالخلافه سبک عنان آمد و در سلخ شهر شعبان المعظم در دارالخلافه نزول اجلال فرمودند و نیز بخصوصه به ارباب هنر و اهل حرفت و صنعت یقین باشد که درین خجسته عهد بهای کالای خدمت و صنعت بالا گیرد و بازار هنروران رواج پذیرد و زحمت هیچ هنرمند و صنعتگر ضایع و باطل نشود و هر کس خدمتی کند که متضمن سود دولت علیه باشد از مکارم و انعام خسروی بهره‌یاب خواهد گشت. میرزا زین العابدین تبریزی که از هنروران روزگار است کاغذگر خانه ساخته، سال قبل از خزانه عامره خراجات به اورسیده به فرنگ رفت و یحتمل در این سال ماهوت خلیجان تبریزی که الحال برمه می‌شود به طوری ترقی کند که رخوت عموم ناس از آنجا به عمل آید و همچنین کاغذ به نحوی بیرون آید که از کاغذ خارج مستغنی شویم و اهل صنایع و هنروران هر شهر که به خاک پای مبارک مشرف شده‌اند بالمشافهه مشاهده نمودند و الحال به سایرین اعلام می‌رود که هر که پارچه اختراع کرد که متضمن منفعتی باشد پارچه مزبور را به حضور اولیای دولت آورد حکم محکمی به او مرحمت می‌شود که از خراج دیوان معاف باشد و به غیر از او کسی مباشر آن کار نشود، عالیجاه حاتم خان جبه‌دار باشی که وحید عصر است فشنگی تتبع که بهترین اسباب حربست و درازاء آن نشان دولتی با انعام و خلعت به او مرحمت شد، بریباری نام که یکی از استادان باروط سازی ایتالیائیست باروطخانه ساخته که با چرخ آبی باروط می‌کوبد و باروطی که از آنجا به عمل می‌آید مثل باروط فرنگست نشان مرصع شیر و خورشیدی به او مرحمت شده عالیجاه محمد علیخان قورخانچی باشی که از تربیت یافتگان ولیعهد مغفور است و به جهت کسب و هنر به فرنگ رفته خاصه در امر توپخانه و قورخانه و چرخها ماهر شده الحال دستگاه توپ ریزی توپخانه و چرخ توپ سوراخ کنی ساخته که روزی یک عراده توپ ریخته به چرخ سوار کند عالیجاه مستر لاتین مهندس انگلیسی لوله تربیت داده که در آن لوله به توسط متقب زمین را حفر کرده به قدر لوله مرقومه آب از زمین بیرون می‌آورد عالیجاه سعید خان مسیحی مدت‌ها اوقات صرف معدن نموده سه سالست در قراجه داغ معدن مسی بیرون آورده سال گذشته دو توپ شش پوند از همان معدن مس ریخته و به چرخ بسته به رسم پیشکش به نظر شاهنشاهی رسانیده و درازاء آن قریه شیخدر میانج را که یک هزار و پانصد تومان مداخل اوست به تیول مرحمت فرمودند و هشتاد و چهل عراده توپ به مقاطعه فروخت که تا شش ماه دیگر به سرکار شاهنشاهی سپارد، عالیشان جعفر قلی بیگ افشار را ولیعهد مرحوم به روسیه فرستاده در

معادن سیبیریه کار کرده ماهر آمده اکنون در معادن نائیح مازندران گلوله می‌ریزد، سال قبل یکصد هزار گلوله چرخی ریخته به توپخانه فرستاد، چند نفر معدنچی انگلیسی هم آمده‌اند که در معدن آهن آب‌کنند و اسباب بریزند معلوم نیست که در معادن آذربایجان کار کنند یا مازندران الحال یک نفر استاد شکر بریز ضرور است که شکر مازندران را تصفیه کند و نیز یک نفر استاد نیل‌پز که در کارخانه نیل‌پزی شوشتر نیل بریده بسازد و به هریک بعد از انجام خدمات وظیفه [ای] مرحمت می‌شود که ابداً محتاج نشوند و نیز حکم شاهانه صدور یافته که حکام ممالک تاشب عید نوروز آینده حساب سالیانه خود را تمام نمایند که ابتدای سال نو در ولایات باقی نماند و هر که در مال دیوانی مساحمه ورزد هر چه به او رسد به جهت قصور در خدمت اوست و به سرحد نشینان و حکام همه ولایات احکام صدور یافته که با ولایات جوار به طریق رفق و داد رفتار نموده با مسافریین و مترددین و تجار و رعایا کمال سلوک و رعایت را به جا آرند و به نهایت حرمت و عزت رفتار نمایند و هریک همه اسباب و آلات حرب را به جا آرند و به نهایت حرمت و عزت رفتار نمایند و هریک همه اسباب و آلات حرب و اسلحه و تدارک دفاع را آماده داشته و بدون سبب با کسی مناقشه نکنند و در خصوصت و منازعه احدی سبقت نوزد و این معنی نیز معلوم باشد که ماهی یک مرتبه اخبار و مطالبی که متضمن منافع و آگاهی و بینائی خلق باشد در دارالطباعة انطباع و به همه ممالک محروسه فرستاده خواهد شد»

اولین آگاهی از این اعلام‌نامه توسط محمد نخجوانی به دست آمده و عباس اقبال آشتیانی آنرا در مجله یادگار منتشر می‌نماید^{۲۸} و همچنین استاد سیدفرید قاسمی نیز متن کامل آنرا بازنشر نموده‌اند.^{۲۹} در حال حاضر نسخه‌ای از این اعلام‌نامه در مجموعه شخصی بهمن امیرحسینی موجود است.

هرچند برخی معتقدند که تاریخ انتشار کاغذ اخبار را تا سال ۱۲۵۵ و عمرش را سه سال می‌دانند^{۳۰} اما یقین داریم که این روزنامه از رمضان سال ۱۲۵۲ق. تا رمضان و یا شوال سال ۱۲۵۳ق. به طور قطع منتشر می‌گردیده و احتمالاً طی این مدت قریب به چهارده شماره از آن چاپ و منتشر شده است.^{۳۱} کاغذ اخبار در ابعاد ۴۰ در ۲۴ سانتی‌متر و در دو صفحه یک ستونی بر روی کاغذ مرغوب و به صورت یک رو و پشت سفید منتشر می‌گردید.^{۳۲}

۲۸. سابقه تمدن جدید در ایران: تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران: صص ۷-۱۲.

۲۹. اولین‌های مطبوعات ایران: ۸۸-۹۲.

۳۰. تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان: ۱۲۹/۱.

۳۱. چاپ نوشت (۴): مالیات گیلان پشتوانه باسمه‌خانه طهران: ۶۰.

۳۲. تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان: ۱۲۹/۱.



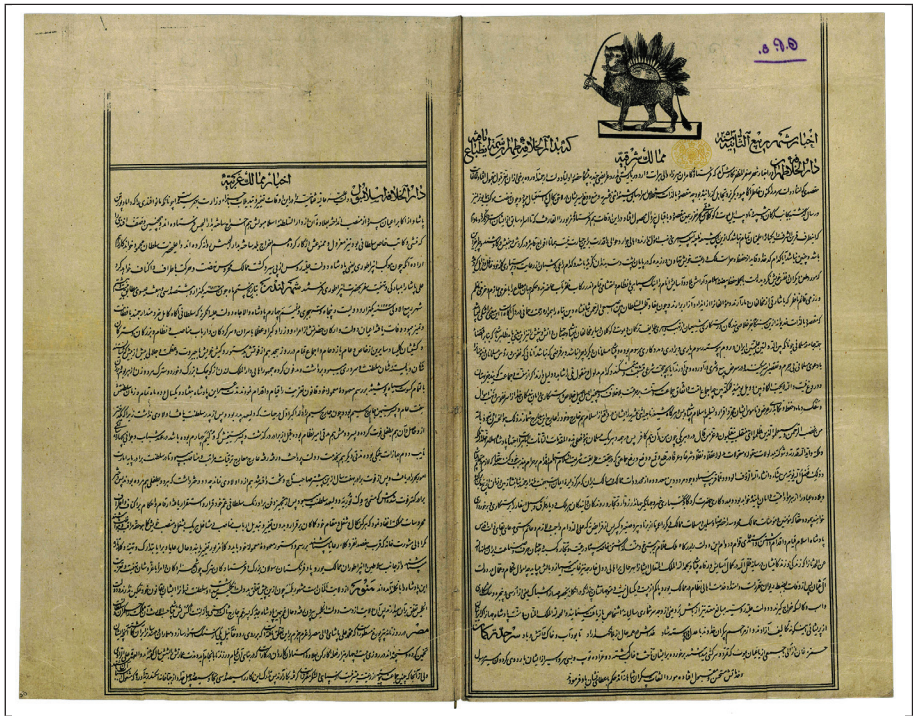
تصویر ۱۴. کاغذ اخبار، طهران؛ باسمه‌خانه طهران، جمادی الاولی ۱۲۵۳ق. چاپ سنگی (کتابخانه بریتانیا- لندن)

در آن روزگار باسمه‌خانه طهران همچون یک ستاد خبری و اطلاع‌رسانی برای حکومت مرکزی ایران و با استفاده از تکنیک چاپ سنگی، فرصتی مغتنم و ارزشمند برای چاپ و انتشار اعلانات، احکام و یا آئین‌نامه‌ها و دستورات عمل‌هایی دولتی را فراهم می‌کند. نقطه عطف این موضوع و استفاده از صنعت چاپ برای تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی بر سپاهیان و مردم جنگ میان ایران و هرات است، که در تاریخ ربیع‌الثانی سال ۱۲۵۳ق. آغاز می‌گردد.

زمانی که هرات به تصرف قوای ایران درآمد و انگلیسی‌ها نیز از دست یافتن ایران برهات که معبر هندوستان است رضایتی نداشتند، به مساعدت مالی و نظامی به حاکم هرات پرداخته و بر خلاف معاهده ۱۸۱۴م. ایران و انگلیس،^{۳۳} ناوهای جنگی خود را به جزیره خارک گسیل داشتند و محمدشاه را مجبور به ترک محاصره هرات نمودند.

در همین موقع فایده و کارکرد چاپ بیش از هر وقت دیگری برای محمدشاه قاجار مشخص می‌گردد و دستورها و فرمان‌های متعددی برای جلوگیری از فروپاشی روانی سپاه ایران و اتحاد هرچه بیشتر آن و همچنین جلوگیری از تجاوز و دست‌درازی انگلیسی‌ها به مناطق جنوبی ایران صادر می‌نماید که همگی این فرمان‌ها به دستور او توسط میرزا صالح شیرازی در باسمه‌خانه چاپ و تکثیر و اطراف و اکناف ایران توزیع می‌گردد.

۳۳. درباره این معاهده و متن آن رجوع کنید به: تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی: ۱۹۷-۲۰۳.



تصویر ۱۵. کاغذ اخبار،
 طهران: باسمه‌خانه
 طهران، ربیع‌الثانی
 ۱۲۵۳ق. چاپ سنگی
 (کتابخانه بریتانیا-
 لندن)

هرچند تا به امروز نسخه‌ای از این فرمان‌ها و اعلان‌ها پیدا نشده است اما خوشبختانه علی‌قلی میرزا اعتضاد السلطنه در کتاب اکسیر التواریخ و ذیل حوادث سال ۱۲۵۴ق. به برخی از آنها اشاره و متن برخی را نیز به صورت کامل آورده است.

از جمله مهمترین اعلان‌هایی که در آن زمان به دستور محمدشاه قاجار چاپ می‌گردد، اعلانی در خصوص نقض عهد انگلیس است که نشان دهنده به‌کارگیری و استفاده از ابزار و رسانه صنعت چاپ در راستای سیاست خارجی ایران است. این اعلان به دستور محمدشاه قاجار و توسط میرزا صالح شیرازی در باسمه‌خانه طهران چاپ و انتشار می‌یابد و برای بیست و هشت پادشاه در کشورهای مختلف ارسال می‌گردد. هرچند متاسفانه ما از متن این اعلان اطلاع دقیقی نداریم، اما بعید نیست که این اعلان به زبان‌های مختلف کتابت و چاپ شده باشد.

« و حکم به میرزا صالح مهندس شیرازی که صاحب اختیار باسمه‌خانه بود صادر آمد که نقض عهد انگلیس را به عبارت خوب باسمه زده به بیست و هشت قرال و سلاطین ذوالاقتدار روی زمین روانه دارد تا صاحبان اولوالابصار بدانند که عهد آن طایفه مانند آفتاب زمستان و سحاب تابستان بی اعتبار است و پیوسته شاهد حیل‌شان در کنار»^{۳۴}

همچنین فرمانی دیگر در همین سال برای متحدالشکل کردن لباس نظامیان توسط محمد شاه صادر و البته به قلم حاجی میرزا آقاسی تکمیل می‌شود و به میرزا صالح دستور داده می‌شود که این حکم را نیز چاپ و به اطراف و اکناف ایران روانه دارد.

«حکم به تمام چاکران دربار خلافت مدار صادر آمد که لباس‌های بلند که مخلوط به خبثت است و باعث نخوت ریاست از تن بدر سازند و لباس نظام مبدل نمایند و فرمانی نیز به دست خط مبارک تحریر کرده و جناب مستطاب فضیلت مآب آفتاب سپهر دانش و شیر بیشه بینش جناب حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی عن الآفات نیز از آیات و احادیث در این باب خصایص چند نوشته و آن فرمان دستخط مبارک و تحریر جناب حاجی نیز به میرزا صالح شیرازی مرحمت شد که او را هم باسمه زده به اطراف و اکناف ایران روانه دارد تا ایشان را سررشته عمل شود و آن گفتار گهربار به نحوی که به رشته بیان منتظم شد به عینه مسطور گردید»^{۳۵}

خوشبختانه متن این حکم را علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه در کتاب خود آورده که به قرار زیر است:

«بیان فرمان به تحریر خسرو گردون مناص برای خواص لباس نظام کلام المکوک ملوک الکلام

لباس نظام بهترین لباس است و حکم این است که همه نوکرهای شمشیربند در این لباس باشند و منفعت‌هایی که منظور می‌شود یکی اینکه همه مردم به صورت توحید می‌شوند و در نظر دشمن مهیب و جنگی با نظام می‌آیند. سبک است، در پوشیدن و در آوردن آسان است، خرجش کمتر است البته از قیمت یک دست لباس سابق دو دست لباس نظام دوخته می‌شود، اگر آن لباس قدیم پنج ماه دوام می‌کرد و در بدن تازه بود این یک سال دوام می‌کند. البته دو کرور به قیمت شال به کشمیر و هند می‌رفت و در صندوق خانه تنها در هر سال سه هزار شال خریده می‌شود و هم چنین مردم برای جبهه و کمر بستن و اراخالق و کلیجه مبلغ‌های گزاف در بهای تبذیر و اسراف می‌کردند و پول از ایران بیرون می‌رفت و حال بجهت لباس نظام این همه چیز از مردم ایران رفع شده و شال هیچ لازم نیست. و مردم متکبر متفرعن به شال و خزو لباس‌های بلند فخر می‌کردند و برای امثال و اقران تفوق می‌جستند و مردم نجیب از زخارف دنیوی بی‌نصیب، هم لازم می‌شد که لباسشان را آن‌طور کنند. بایستی دویست تومان خرج نمایند تا جبهه ترمه خزداریا پوست بخارا تمام کنند و راه می‌روند و این لباس نظم همگی از قدک و دارائی و شال ساده کرمانی خواهد

بود و پوست‌های شیرازی در کلیجه و کلاهها استعمال بشود که پول به کشمیر و هند بی جهت نرود و بهترین اصناف مردم سربازها بودند و بزرگان شبیه به آنها نبودند، حالا که رخت سربازی متداول شده همه در لباس به آن مردمان غیور به یاران دولت و نگارندگان شریعت شبیه شدند. حسن دیگر اینکه مردم نوکر لباسشان تفاوت با اصناف رعیت و خراجگزار و تجار دارد و رخت قدیم ایران همین لباس نظام بود چنانکه در تخت جمشید در صورت‌های سنگی سلاطین ایران و امرا و چاکران ایشان را به آن لباس کشیده‌اند و صورت سنگی که کشیده‌اند البته اکثر مردم در آنجا ملاحظه کرده‌اند»^{۳۶}

بخشی از متن این حکم چنانچه اشاره شد آیه و حدیثی است که حاجی میرزا آقاسی در باب حسن لباس نظام نگاشته است:

«دلیل این مطلب از آیات بینات و احادیث فخر کائنات بسیراست آیه شریفه و ثیا بک فهررا [بعضی از] مفسرین دقایق بین ثیا بک فقصر تفسیر نموده‌اند و کلام کریمه لاتمش فی الارض مرحا تک لن تخرق الارض ولن تبلغ الجبال طولاً و تاویل به ترک بلندی لباس فرموده آیه کریمه و لباس التقوی ذلک خیر دلیل به حسن کوتاهی لباس دارد که آلوده به خباثت نشود.»^{۳۷}

اعتضاد السلطنه به صراحت بیان می‌کند که در راه بازگشت از هرات لشکر از مشقت جنگ‌های بدون فتح دل غمناک بود و محمدشاه برای آنکه دلجوئی سپاهیان فرمانی صادر و به خط خود می‌نویسد^{۳۸} و میرزا نظرعلی حکیم‌باشی اعلام می‌کند که این فرمان به عینه در دارالطباعة چاپ و به اطراف ایران ارسال گردد.^{۳۹}

«گفتار در فرمان قدر بنایان که شاهنشاه جهان و خسرو جم خدم سلیمان پاسبان به خط مبارک به لشکر ظفر نشان تحریر کرده

هذا السواد مطابق الاصل

سرداران و امرای تومان و سرتیپان و سرهنگان و سرکردگان و سران سپاه ظفر همراه و جمیع افواج قاهره و سوران جلالت نشان و عمومی ملتزمین رکاب بدانید از وقتی که به حکم خاقان مغفور در رکاب ولیعهد مبرور به خراسان آمدیم نیت همین بود که خراسان امنیت شود و اسیر فروشی موقوف و ولایت امن گردد تا در آن سفر

۳۶. همان: ۴۹۹.

۳۷. همان: ۵۰۰.

۳۸. همان: ۵۰۱.

۳۹. همان: ۵۰۳.

پیش من مامور شدم به تنبیه هرات. قضیه نایب السلطنه مرحوم اتفاق افتاد برگشتیم و شرط محکم کامران میرزا کرد که دیگر از هراتی دزدی و هرزگی نشود. دومه نکشید نقض عهد کردند، متصل چپاول نمودند و اسیرها بردند و من خودم را پیش خدا مقصر می دانستم چرا که از فضل خدا همه اسباب جنگ مهیا بود و ما تکاهل می کردیم، زحمت را به خودمان گوارا نمی ساختیم و اسیرها را در فکر پس گرفتن نمی شدیم و گرنه، نه خدا نه پیغمبر نه مردم هیچ کدام به من بحث نمی کردند و خودم در پیش خودم خجل بودم و مانعی هم به نظر نمی رسید چرا که از رود سند تا جیحون اگر جمیع به جنگ من می شدند بعد از فضل خدا به هیچ وجه آنهارا مانع این همت نمی دانستم و حال آن که سردار دوست محمدخان از کابل و سردار کهندل خان از قندهار و بزرگان سیستان و بلوچستان شمس الدین خان کلاً عریضه ها و آدم ها فرستاده بودند، آن مانع هم به نظر نمی رسید. خلاصه آمدیم و قشون به همت مردانه جنگها [و] در محاصره و فتوحات قوربان و بادغیسات و میمنه همه را از جلادت غیرتی که داشتند درست کردند. چنانکه احدی از متمریدین از سند تا جیحون دیگر نماند. بزرگان بلخ و اکابر اویماقات فیروز کوئی و هزاره و جمشیدی و غیره آمدند، از قشون منتهای رضامندی دارم. در سرمای زمستان و گرمان تابستان زحمتهای سنگر و جنگ های کنار خندق و آوردن آذوقه از صحرا به همه این زحمات در کمال شوق و غیرت تاب آوردند و منتهای شوق ظاهر ساختند و یورش های مکرر بردند و جان نثاری ها کردند به شهر و اهلس صدمه هازدند و در یک روز چهل هزار گلوله از توپ ها و خمپاره ها به شهر انداختند. از این صدمات امر شهر چنان پریشان شد که سی هزار نفر با کوچ و بنه از شهر بیرون شدند و قریب هزار نفر از ساخلوی شهر به خدمت آمدند و از بزرگان شهر عریضه ها در جزو آمد که در این وقت با وجود اینکه سه نفر ایلچی انگلیسی در سر عهدنامه صریح نوشته بودند که دولت انگلیس را به امر افغان به هیچ وجه رجوعی نباشد اعلام جنگ رسید به این مضمون که جنگ شما با هرات باعث خرابی امر انگلیس در هند خواهد بود و دشمنی با ماست و کشتی های جنگی آنها به خاک ماکه جزیره خارکو باشد آمدند که اگر از هرات برنگردید ما به فارس و کرمان قشون می کشیم و ما مضبوطی بندرات و فارس را به همان عهدنامه دولتی مضبوط می دانستیم، آن عهدنامه را محکم تر از صد قلعه و توپ ها که در بندر بسازیم پنداشتیم و در این وقت قشون ما دو سال است که در سفر است جنگ با افغان و از یک که کمک افغان بود می کردند و [با] انگلیس که دولت بزرگی است [اصلاح] حرب ندانستیم برگشتیم. مردمان ایران چنان تصور نمایند که من از سفر و جنگ خسته شده ام یا نیتی را در پس گرفتن اسرا

داشتم تغییر دادم، هرگز به خدا قسم، اسیرهای ما خاطر جمع باشند که تاجان دارم از این نیت برگشت نخواهم کرد و به فضل الهی همه اسرا را پس خواهم گرفت. حالا برگشتیم که قشون را تازه کنیم و امور سرحد را مضبوط نمایم باز سردار خراسان یا ساخلوی خواهم گذاشت و قشون خراسانی بعد از فضل خدا فوج‌های آراسته و عساکر پیراسته در قوریان که بیخ گلوی هرات است که اگر به مخلصین ما از آنها اذیتی بخواهد رسید فوراً خودشان را به هرات خواهند زد و در تربت و مشهد مقدس غازیان جرار و سربازان آتشبار و سوران شیرشکار و توپخانه رعد نشانه مستعد و مضبوط دارند که بعد از فضل خدا جواب صد هزار قشون را در یک ساعت بدهند.

توپ‌چیهای مخلص و سربازان فدوی و سواران جرار بدانید که مردن با غیرت و مردانگی به ذات پاک احدیت که بهتر از هزار سال زندگانی بردباری و تملق است و قوت اسد الله الغالب من شما را چنین دانسته و می‌داند که از همه قشون‌های دول خارجه تابدارتر به زحمت و غیور و دیندار و پاس آبروی دولت را به غیرت نگاهدارنده می‌دانم و هرچه دارم برای شما می‌خواهم نه در بند خانه و اطاق‌های بازینت و لذت و خوشگذرانی هستم، همین قدر از خدا طالبم اذیت‌هایی که از همسایگان اوزبک و سایر ترکمان به خراسان رسید پس بگیرم و ذلت به هیچ کس نکنم. این منتهای لذت من است و شما برادران دینی و غیور من هستید. تحریر فی شهر جمادی الاخر سنه ۱۲۵۴»^{۴۰}

در آن روزگار به جزی فرمان‌ها، اعلانات، اخبار، قوانین و مقررات و... چاپ ادعیه، اوراد و اذکار مختلف بر روی تک‌برگ‌ها شایع بوده است. نسخه‌ای از زیارت عاشورا به شکل طومار در شهر تبریز و چاپخانه چاپ سنگی محمد رضا فرزند محمد حسین امین‌الشرع تبریزی به سال ۱۲۵۵ ق. چاپ گردیده است و مرحوم محمد علی تربیت نمونه‌ای از آنرا دیده و گزارشی از آنرا ذکر نموده است:

«... و از جمله مطبوعات سنگی تبریز، زیارت عاشورا به شکل طومار است که در سال ۱۲۵۵ ق. به طبع رسیده، در آخرش کلمات ذیل رقم شده است:

«قد تمت الزيارة الشريفة طبعاً في دار الطباع دار السلطنة تبريز على يد الحقيق محمد رضا بن الحاج محمد حسين مرحوم الشهير بامين الشرع حرره العبد احمد بن محمد التبريزي سنه ۱۲۵۵»^{۴۱}

هرچند این نوع طومارها به علت محدودیت کاغذ و امکانات گاه‌آز چسباندن چندین برگ به یکدیگر

شکل واحدی به خود می‌گرفته‌اند اما هدف، انتشار یک متن بر روی برگه واحدی به شکل طومار بوده است. از دیگر نمونه‌های این تک‌برگ‌ها می‌توان به طومار «دعای ام‌الصبیان» اشاره نمود که به خط نسخ و به صورت مصور در سال ۱۲۶۴ق. چاپ گردیده است و البته مکان چاپ آن در ایران مشخص نیست. نمونه‌های متأخر این قبیل طومارها و تک‌برگ‌ها را پیش ازین معرفی نموده‌ام.^{۴۲}

**جدول شماره (۲): تک‌برگ‌های چاپی شناسایی شده در اینکونابولای ایرانی
از سال ۱۲۴۴ق. الی سال ۱۲۶۴ق.**

سال چاپ	محل چاپ	نوع چاپ	عنوان
۱	۱۲۴۴ق.	تبریز	فرمان نشان شمسیه
۲	۱۲۵۰ق.	تبریز	جلد گل و بوته
۳	۱۲۵۲ق. (رمضان)	طهران	اعلام‌نامه
۴	۱۲۵۲ق. (ذیقعه)	طهران	کاغذ اخبار
۵	۱۲۵۲ق. (ذی‌حجه)	طهران	کاغذ اخبار
۶	۱۲۵۲ق. (محرم)	طهران	کاغذ اخبار
۷	۱۲۵۳ق. (صفر)	طهران	کاغذ اخبار
۸	۱۲۵۳ق. (ربیع‌الثانی)	طهران	کاغذ اخبار
۹	۱۲۵۳ق. (جمادی‌الاولی)	طهران	کاغذ اخبار
۱۰	۱۲۵۳ق. (رمضان یا شوال)	طهران	کاغذ اخبار
۱۱	۱۲۵۴ق	طهران	نقص عهد انگلیس
۱۲	۱۲۵۴	طهران	فرمان لباس متحدالشکل
۱۳	۱۲۵۴ق. (جمادی‌الآخر)	طهران	فرمان محمد شاه به لشکر
۱۴	۱۲۵۵	تبریز	زیارت عاشورا (طومار)
۱۵	۱۲۶۴	؟	دعای ام‌الصبیان (طومار)

۴۲. چاپ نوشت (۳): طومارهای زیارتی چاپ سنگی از هونولولو تا قم، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و سوم، شماره چهارم، (پیاپی ۱۹۶)، مهر و آبان، ۱۴۰۱، صص. ۱۱۹-۱۵۰.

تصویر ۱۶. دعای ام
الصبيان، [ایران]:
بی جا، ۱۲۶۴ ق. چاپ
سنگی (لندن - مجموعه
خصوصی)



۲۰۰ آینه پژوهش
سال ۳۴، شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۲

منابع

- اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجار از آغاز تا ۱۲۵۹ق.). علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه؛ تصحیح: جمشیدکیانفر. تهران: مؤسسه انتشارات ویسمن، ۱۳۷۰.
- اولین‌های مطبوعات ایران. سیدفرید قاسمی. تهران: آبی، ۶۲۴ص.، ۱۳۸۳.
- ایران و آذربایجان در بستر تاریخ و زبان. لندن: اچ اند اس مدیا، ۲۰۱۶م.
- برخیاں ایران، شب‌نامه‌ای نویافته از مشروعه‌خواهان شیراز. کوروش نوروزمرادی، پیام بهارستان (دور جدید)، سال دوم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۹، صص. ۹۸۸-۹۹۱.
- تاریخ تأسیس مطبعه و مطبوعات پارسی (۲)، محمدعلی تربیت، ارمغان. س. ۱۲، ش. ۷. مهر، ۱۳۱۰ش.، صص. ۴۴۸-۴۵۶.
- تاریخ چاپ سنگی اصفهان. مجید غلامی جلیسه. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- تاریخ چاپ سنگی در ایران. الیمپیدا پاولونا شچگلوا؛ ترجمه: پروین منزوی. تهران: معین، ۳۳۲ص.، ۱۳۸۸.
- تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی (جلد اول). محمود محمود. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، چاپ چهارم، ۱۳۵۳.
- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (جلد اول). ناصرالدین پروین. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- چاپ ژلاتینی و نقش آن در مبارزات سیاسی و مذهبی عصر قاجار. مجید غلامی جلیسه. پیام بهارستان (دوره دوم)، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۰، صص. ۵۸۷-۶۰۲.
- چاپ نوشت (۴): مالیات‌گیلان پشتوانه باسمه‌خانه طهران. مجید غلامی جلیسه. آینه پژوهش، سال سی و سوم، شماره پنجم، پیاپی ۱۹۷، آذر و دی ۱۴۰۱، صص. ۳۹-۷۷.
- رساله قانون نشان‌های دولت ایران: نخستین کتاب چاپی غیردست‌نویسی، علی بوذری، کتاب ماه کلیات، شماره ۱۵۹، اسفند ۱۳۸۹، ص ۷۰.
- سابقه تمدن جدید در ایران: تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران. عباس اقبال، یادگار، س ۱، ش ۷، دی ۱۳۲۳، صص. ۷-۱۲.
- سفرنامه خسرو میرزا. میرزا مصطفی افشار، تصحیح: محمد گلبن، مسعود انصاری. تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹.
- شرح حال رجال ایران (جلد دوم). مهدی بامداد. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۸.
- فهرست کتابخانه سلطنتی ایران تألیف شده در ۱۳۲۸-۱۳۳۸ (نسخه برگردان دست‌نویس شماره ۲۱۵۶۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی). مقدمه: محمدحسین حکیم. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. احمد منزوی. تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، جلد ۱۵، ۱۳۴۷.
- فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲ (سنای سابق). محمدتقی دانش‌پژوه، بهاء‌الدین علمی انواری. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جلد دوم، ۱۳۵۹.
- نشریات ادواری و شب‌نامه‌ها (مقدمه‌ای بر نشریات ادواری و شب‌نامه‌های کتابخانه مجلس). کوروش نوروزمرادی. پیام بهارستان، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۰، صص. ۸-۱۰.